

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه علامه طباطبائی - معاونت پژوهشی

پژوهشکده علوم اقتصادی

با همکاری قطب علمی اقتصاد توسعه با تأکید بر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

گروه اقتصاد مقاومتی

دومین نشست - اقتصاد مقاومتی: سیاستها و راهکارها

۲۷ آذر ۱۳۹۱

اعضای نشست (به ترتیب الفبا)

دکتر فتح‌اله تازی (هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)

حجت‌الاسلام والمسلمین آقای امیر خادم‌علی‌زاده (هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)

دکتر داوود دانش جعفری (هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)

دکتر مسعود درخشان (رئیس پژوهشکده علوم اقتصادی و هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)

دکتر سیدمحمد رضا سیدنورانی (هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمود عیسوی (هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)

دکتر سیدحسن قوامی (هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر غلامعلی معصومی‌نیا (هیئت علمی و مسئول نهاد رهبری دانشگاه علوم اقتصادی)

دبیر و برگزارکننده نشست:

دکتر مسعود درخشان

سلسله نشست‌های تخصصی پژوهشکده علوم اقتصادی – نشست دوم

اعضای شورای پژوهشی پژوهشکده (به ترتیب الفبا):

دکتر علی امامی میبیدی، دکتر جاوید بهرامی، دکتر فتح‌ا... تاری، حجت‌الاسلام والمسلمین آقای امیر خادم علی‌زاده، دکتر مرتضی خورسندی، دکتر مسعود درخشان، دکتر سیدمحمدرضا سیدنورانی، دکتر عباس شاکری، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمود عیسوی، دکتر تیمور محمدی، دکتر حمید ناظم‌ان

گروه‌های پژوهشی پژوهشکده

مدیر گروه: حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمود عیسوی	گروه اقتصاد پولی و مالی اسلامی
مدیر گروه: دکتر مسعود درخشان	گروه اقتصاد مقاومتی
مدیر گروه: دکتر تیمور محمدی	گروه تولید و سرمایه‌گذاری و اشتغال
مدیر گروه: دکتر حمید ناظم‌ان	گروه مطالعات بین‌رشته‌ای اقتصاد
مدیر گروه: دکتر فتح‌ا... تاری	گروه نهادهای اقتصادی و محیط کسب و کار
مدیر گروه: دکتر عباس شاکری	گروه اقتصاد بین‌الملل
مدیر گروه: دکتر سیدمحمدرضا سید نورانی	گروه اقتصاد بخش عمومی

امور اجرایی: لیلا صفی‌پور

حروفچینی و صفحه‌آرایی: سمیرا مؤدب

طراحی جلد: رضا دنیوی

ویراستاری و مقابله‌خوانی: حمیده ترابی

پیاده‌سازی نوارها و ویرایش اولیه: بهرام جاهد

چاپ: دانشگاه علامه طباطبائی

تیراژ: ۳۰۰

مسئولیت صحت مطالب با سخنرانان می‌باشد و پژوهشکده علوم اقتصادی هیچگونه مسئولیتی ندارد.
کلیه حقوق این اثر برای پژوهشکده علوم اقتصادی محفوظ می‌باشد.

مرکز اطلاع‌رسانی، پخش، دریافت پیشنهادها و سفارش‌ها:

فکس ۸۸۷۰۳۲۶۳

تلفن ۸۸۷۱۸۱۱۷

پیشگفتار

در مقطع کنونی از تحولات انقلاب اسلامی، اقتصاد مقاومتی را می‌توان چارچوب تحلیلی مناسبی برای نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران دانست و به نظر می‌رسد تا آینده قابل پیش‌بینی بستر مناسبی برای طراحی سیاستگذاری‌های اقتصادی کشور در ابعاد ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد بود. مختصات اصلی اقتصاد مقاومتی در فرمایشات مقام معظم رهبری به وضوح تبیین شده است. با وجود این، رسیدن از اقتصاد مقاومتی به نظریه‌پردازی و سیاستگذاری‌های بهینه برای تحقق اهداف اقتصادی مورد نظر در افق چشم‌انداز و منطبق با الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، مستلزم مطالعات عمیق و گسترده در مراکز پژوهشی دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه است.

پژوهشکده علوم اقتصادی دانشگاه علامه طباطبائی با درک این ضرورت، اقدام به تأسیس گروه مطالعاتی اقتصاد مقاومتی نمود و برگزاری سلسله نشست‌های تخصصی در این حوزه را سرآغاز مطالعات جامع نظری و کاربردی این گروه قرار داد. پژوهشکده علوم اقتصادی مفتخر است که با قطب علمی «اقتصاد توسعه با تأکید بر الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت» همکاری‌های نزدیکی برای ارتقاء سطح علمی این نشست‌ها دارد و ان‌شاء... در آینده، دایره این همکاری‌ها را گسترش خواهد داد.

اولین نشست با عنوان «اقتصاد مقاومتی: مبانی نظری» در ۲۰ آبان ماه ۱۳۹۱ برگزار شد. در دومین نشست با عنوان «سیاستها و راهکارها» از نظرات استادان (به ترتیب الفبا) دکتر فتح‌اله تباری، حجت‌الاسلام والمسلمین آقای امیر خادم‌علی‌زاده، دکتر داوود دانش جعفری، دکتر مسعود درخشان، دکتر سیدمحمد رضا سیدنورانی، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمود عیسوی، دکتر سیدحسن قوامی و حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر غلامعلی معصومی‌نیا استفاده شده است.

امیدواریم حرکتی که آغاز شده است با حمایت مسئولان استمرار یابد زیرا که ثمربخشی مطالعات و تضارب اندیشه به‌ویژه در حوزه‌های کلیدی همچون اقتصاد مقاومتی نیازمند تداوم چنین کوشش‌هایی است.

دکتر مسعود درخشان

رئیس پژوهشکده علوم اقتصادی و

مدیر قطب علمی اقتصاد توسعه با تأکید بر

الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت

اقتصاد مقاومتی: سیاستها و راهکارها

دکتر مسعود درخشان*

این جلسه، دومین نشست تخصصی در موضوع اقتصاد مقاومتی است که پژوهشکده علوم اقتصادی دانشگاه علامه طباطبائی و قطب علمی اقتصاد توسعه با تأکید بر الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت مشترکاً برگزار می‌کنند. در اولین نشست، مبانی نظری اقتصاد مقاومتی بحث و بررسی شد. در این جلسه ان‌شاء... سیاستها و راهکارها مطرح خواهد شد. بزرگوارانی که قبول زحمت کرده‌اند و به این جلسه تشریف آورده‌اند بدین شرح به اطلاع حضار محترم می‌رسد: حجت السلام والمسلمین جناب آقای دکتر معصومی‌نیا از دانشگاه علوم اقتصادی، جناب آقای دکتر تاری، جناب آقای دکتر سیدنورانی، جناب آقای علیزاده، جناب آقای دکتر قوامی، حجت السلام والمسلمین جناب آقای دکتر عیسوی و جناب آقای دکتر دانش‌جعفری که همگی از دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی هستند. بحث ما در این جلسه راجع به سیاستها و راهکارها در اقتصاد مقاومتی است. اجازه می‌خواهم از میهمان عزیزمان، حجت السلام والمسلمین جناب آقای دکتر معصومی‌نیا تقاضا کنم که با بیانات خود بحث را آغاز کنند.

حجت‌السلام والمسلمین دکتر غلامعلی معصومی‌نیا**

بنده در یکی دو جمله به صورت مختصر، تعریفی را که از اقتصاد مقاومتی در ذهنم است عرض می‌کنم و سپس وارد بحث می‌شوم. می‌توانیم بگوییم که اقتصاد

* دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی و رئیس پژوهشکده علوم اقتصادی و مدیر قطب علمی اقتصاد توسعه با تأکید بر الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت
safipour1360@gmail.com
** استادیار دانشگاه علوم اقتصادی
masuminia@ses.ac.ir

مقاومتی یعنی اینکه ما حوزه‌های فشار و تحریم را شناسایی کنیم، حوزه‌های فشاری را که ممکن است از ناحیه خارج به ما وارد شود بشناسیم و در جهت کنترل و خنثی‌سازی این فشارها تلاش کنیم و بالاتر از این، بتوانیم تهدیدها را به فرصت تبدیل کنیم. اقتصاد مقاومتی باید فعال باشد نه منفعل، اقتصاد مقاومتی با ریاضت اقتصادی تفاوت دارد. در ریاضت اقتصادی دولت به منظور رفع کسر بودجه خود هزینه‌هایش را کاهش می‌دهد و برای وصول به این هدف فشارهایی را به مردم تحمیل می‌کند، مالیاتها را افزایش داده برخی خدمات عمومی و حقوق و مزایای قشرهایی را کاهش می‌دهد. این امر در صورت ضرورت البته لازم است و از آن گریزی نیست، اما اقتصاد مقاومتی لزوماً با فشارهای یاد شده همراه نیست بلکه مجموعه‌ای از اقداماتی است که دولت و مردم با هم انجام می‌دهند تا با استفاده از تمامی امکانات به استقلال اقتصادی، رشد و سایر اهداف دسترسی پیدا نمایند. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در روایتی می‌فرمایند: «اگر شما در حیطه‌ای به دیگران نیازمند بودید، اسیر آنها خواهید بود، اگر به مرحله‌ای برسید که از آنها بی‌نیاز شوید، نظیر آنها می‌شوید و اگر به مرحله‌ای برسید که دیگران به شما نیازمند بودند، شما امیر آنها خواهید بود.» به عنوان مثال، نفت که باید اهرم فشار از جانب ما به دنیای غرب باشد، تبدیل به اهرم فشار علیه خود ما شده است. تعریفی که از اقتصاد مقاومتی ارائه شد، در راستای همین حضرت فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام می‌باشد.

اقدامات لازم برای تحقق اقتصاد مقاومتی

بر متفکران فرض است که در این زمینه کارهای جدی ارائه نمایند. ما به سهم خود چند اقدام را یاد آوری می‌نماییم:

۱. **تدوین یک برنامه جامع:** برای دستیابی به این هدف، ضروری است برنامه جامعی را تحت عنوان اقتصاد مقاومتی تدوین نماییم. ما خیلی وقت‌ها نشان داده‌ایم که متأسفانه روزمرگی می‌کنیم و دنبال این هستیم که مسئله امروزمان را حل کنیم. برای اقتصاد مقاومتی یعنی اقتصادی که بتواند ظرفیت‌های ما را به فعلیت برساند و بتواند جلوی تهدیدات دشمن را بگیرد و آنها را به فرصت تبدیل کند، می‌بایست برنامه جامعی وجود داشته باشد. دستیابی به این امر، میسر نیست مگر اینکه همه دلسوزان، تحصیلکرده‌ها و کسانی که می‌توانند در این زمینه اظهار نظر کنند، مشارکت داشته باشند. دولت و مجلس باید دست به دست یکدیگر بدهند و به سرعت برنامه‌ای راجع به حساسیت‌هایی که موقعیت زمانی ما دارد و مشکلاتی که ما با آن روبرو هستیم، تنظیم کنند. در این مورد، باید فراجناحی عمل کنیم. متأسفانه ما به راحتی مسائل را سیاسی و جناحی می‌کنیم و بخاطر جناح‌بندی‌هایی که وجود دارد گاهی رعایت مسائل کشور را نمی‌کنیم.

عده‌ای می‌گویند اگر شما بخواهید برنامه‌ای به نام اقتصاد مقاومتی تنظیم کنید، به معنای پذیرش تهدیدهای دشمن است و لذا پیشنهاد می‌کنند بهتر است مذاکره کنیم و کوتاه بیایم تا جلوی آسیب‌ها را بگیریم. ولی مسئله بسیار مهم همانطور که مقام معظم رهبری نیز فرموده‌اند، این است که دشمن ما را تهدید می‌کند و اگر ما از آرمان‌هایمان دست برداریم آنها نیز دست از سر ما برندارند داشت: «و لن ترضی عنک الیهود و النصراری حتی تتبع ملتهم» بنابراین ما چاره‌ای جز تنظیم یک برنامه هدفمند نداریم. این نکته را از آن جهت عرض کردم که شبهاتی در گوشه و کنار می‌شنویم و حرف‌هایی که عده‌ای در سطح وسیع القا می‌کنند که ما این برنامه اقتصاد مقاومتی را نباید داشته باشیم.

۲. **بها دادن به مردم:** نکته دیگر اینکه در مسائلی از این نوع، ضروری است که به تمام معنا به مردم بها دهیم. چیزی که از مجموع تعالیم اسلامی برمی-آید این است که دولت نباید متصدی مسائل اقتصادی باشد. اگر تعالیم اقتصادی اسلام را نگاه کنیم می بینیم که اسلام اختیارات زیادی به دولت داده اما نخواست که دولت خود متصدی شود. دولت باید ناظر خوبی باشد. ما باید به تمام ظرفیتها و سرمایه‌هایی که درون مملکت وجود دارد، بها دهیم و موانع را برطرف کنیم که بتوانیم از این سرمایه‌ها در جهت شکوفایی اقتصادمان بهره ببریم. یکی از سرمایه‌های عظیم ما، اعتقادات مردم است. باید روی اخلاق و ارزشهای معنوی اقتصادی خودمان تأکید کنیم و آنها را به فعلیت برسانیم. در حال حاضر، یکی از راهکارهای بسیار مهم این است که صادقانه با مردم حرف بزنیم. اوضاع اقتصادی، تهدیدات دشمن، آرمانهای انقلاب و وضعیت فعلی خودمان را برای مردم بیان کنیم و به مردم بها و میدان بدهیم و صادقانه از مردم کمک بخواهیم.

در اینجا یک نکته بسیار ظریف وجود دارد: برخی با شعار دخالت دادن مردم در اقتصاد، توصیه‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول را اجرا می‌نمایند. مراد از سپردن کارها بدست مردم استفاده از ظرفیت وسیع توده‌هاست که بسیار عظیم است و هم سبب رشد و شکوفایی اقتصاد می‌شود و هم توده مردم را از مواهب رشد بهره مند می‌سازد، اما نتیجه توصیه‌های دو ارگان یاد شده حاکمیت قشر کمی از صاحبان مکنات و ثروت و در نتیجه تعمیق اختلاف طبقاتی می‌باشد.

۳. **مبارزه با مفاسد:** مسئله دیگری که نقش بسیار کلیدی دارد این است که برای وارد کردن مردم به صحنه، می‌بایست یک مبارزه جدی علیه مفاسد در همه زمینه‌ها انجام دهیم و این چیزی است که متأسفانه در آن موفق

نبوده‌ایم. مردم ناظر هستند که افرادی با روشهای نادرست به ثروتهای بالا می‌رسند ولی آنهایی که فعالیت سالم انجام می‌دهند از بسیاری مزایا محروم می‌شوند. به ویژه این مسئله در مورد کسانی که در بخش تولید فعالیت می‌کنند بیشتر است. اگر نتوانیم یک مبارزه جدی با مفساد انجام دهیم در اقتصاد مقاومتی موفق نخواهیم شد. بخاطر همین است که مقام معظم رهبری تأکید زیادی بر مبارزه با مفساد اقتصادی دارند. این مسئله می‌بایستی یکی از سیاستهای اصلی ما باشد. یکی از لوازم اصلی مبارزه با مفساد اقتصادی، شناسایی زمینه‌ها و بدنال آن جلوگیری از بروز مفساد است.

۴. **قطع وابستگی به نفت:** مسئله بسیار مهم دیگر که همه ما می‌دانیم و اکنون نیز خداوند متعال فرصتش را برای ما فراهم آورده است، قطع وابستگی به نفت است. تا وقتی که اقتصاد ما از نفت جدا نشود، نمی‌توانیم اقتصاد مستقلی داشته باشیم. باید ارتباط اقتصادی خود را تا حد ممکن از نفت قطع کنیم. اکنون نیز فرصت قطع وابستگی فراهم شده است و از این جهت، باید خوشحال باشیم. زیرا ما نشان داده‌ایم که اگر یک زمینه به اجبار برای ما پیش نیاید، متأسفانه خودمان چنین همتی نداریم. با درآمدهای عظیم نفتی که در سالهای اخیر نصیب ما شد، چه کرده‌ایم؟

اگر جناحهای سیاسی را کنار بگذاریم، در همان سالهای نخستین انقلاب اسلامی، تعدادی از نمایندگان مجلس که از مسائل اقتصادی مطلع بودند، گفتند که این درآمدهای نفتی را به این شکل خرج نکنیم، اما متأسفانه عده‌ای مصوبه گرفتند و درآمدهای نفتی را کما فی‌السابق خرج کردند. الان که حساب می‌کنیم می‌بینیم که در این سالها نتوانسته‌ایم از درآمدهای نفتی درست استفاده کنیم، در غیر اینصورت تهدیدی که اکنون علیه ما اعمال شده به این شدت نمی‌بود. زمانی که اعلام کردند می‌خواهند ما را

تحریم نفتی کنند، متأسفانه مسئولین ما اعلام کردند که ما خریدار داریم. این رویکردی که مسئولین اتخاذ کردند، نادرست بود. باید می گفتند مهم نیست که تحریم شده ایم. ما در داخل کشورمان سیاستهایی را برای قطع وابستگی به فروش نفت اتخاذ خواهیم کرد. در این راستا نیز باز باید با مردم صادقانه صحبت کنیم.

عده ای می گویند اقتصاد مقاومتی غیر از اقتصاد ریاضتی است. البته منظور این عده، سیاستی است که هم اکنون در کشورهای غربی اعمال می شود و به همین جهت ممکن است معنای خاصی داشته باشد. اما من قبول ندارم که اقتصاد مقاومتی اساساً بدون ریاضت ممکن است. لذا باید به مردم صادقانه بگوییم که بدون قطع وابستگی به نفت شکوفایی اقتصادی ملی امکان پذیر نیست و اگر بخواهیم بودجه مملکت را بدون درآمد نفت تنظیم کنیم آنگاه وجود سختی ها اجتناب ناپذیر است. نگوییم که می توان اقتصاد مقاومتی داشت بدون تحمل سختی. باید یکسری سختی هایی را تحمل کرد. در این راستا سرمایه هایی مثل دفاع مقدس و روحیه ای را که در مردم وجود داشت داریم و الان یک توفیق اجباری پیش آمده که وابستگی خود را به نفت قطع کنیم.

۵. **ارتقای فرهنگ کار و تلاش:** متأسفانه در سالهای اخیر، روحیه تبلی در سطح وسیع در کشور ما حاکم شده است. آرزوی دستیابی به یک زندگی مرفه بدون کار و تلاش و صرفاً از طریق شرکت در یک قرعه کشی و امثال آن به یک اپیدمی تبدیل شده است. این در حالی است که اسلام بیشترین سفارش را در مورد لزوم کار و تلاش به عمل آورده است. امامان بزرگوار ما با دست خود کار می کردند و آن را عبادتی بس بزرگ معرفی

می فرمودند. تا وقتی این فرهنگ باز نگردد، تحقق اقتصاد مقاومتی از حد شعار فراتر نخواهد رفت.

دکتر درخشان

از جناب آقای دکتر معصومی نیا بسیار سپاسگزاریم. از جناب آقای دکتر تاری تقاضا می‌کنم مطالبشان را بفرمایند.

دکتر فتح‌اله تاری*

نکته اولی که به ذهن من می‌رسد و بایستی روشن شود این است که آیا اقتصاد مقاومتی صرفاً بحث دفاع است یا تقویت بنیه اقتصادی. با توجه به فرمایشات مقام معظم رهبری به نظر می‌آید که بحث دفاع نیست، بحث اقتصادی است که در بلندمدت باید توانمندی‌هایی را برای خود داشته باشد. در فرمایشات ایشان است که «الان ما در شرایط شعب ابی طالب نیستیم، در شرایط بدر یا خیبر هستیم.» با توجه به تاریخ صدر اسلام و شرایط بدر و خیبر که مسلمانان دفاع نمی‌کردند بلکه در صحنه سیاسی و اقتصادی اثرگذار بودند معلوم می‌شود که اقتصاد مقاومتی صرفاً به مسئله دفاع نمی‌پردازد. این اقتصاد می‌بایستی یک حالت فعال، پویا و تأثیرگذار داشته باشد. اگر چنین باشد، باید دید اقتصاد مقاوم چه ویژگی‌هایی دارد؟

در بحثها و بررسی‌هایی که با کمک دوستان انجام دادیم به این نتیجه رسیدیم که بخشی از ویژگی‌های این اقتصاد می‌تواند همان ویژگی‌هایی باشد که در اقتصادهای توسعه‌یافته به آنها اشاره می‌شود. مثلاً در اقتصادهای توسعه‌یافته، بحث رشد اقتصادی، تعادل در تراز پرداختها، کنترل تورم و کاهش نرخ بیکاری مطرح است. اینها از ویژگی‌های یک اقتصاد توسعه‌یافته است. پس یک اقتصاد مقاوم و توسعه‌یافته می‌تواند اینها را درون خود داشته باشد. اما اقتصادی که ما به عنوان اقتصاد مقاومتی

در نظر می‌گیریم، آیا تنها همان ویژگیهای موجود در اقتصادهای توسعه‌یافته را دارد؟

یک تعبیر دیگری که در تفاوت بین اقتصاد توسعه‌یافته و اقتصاد مقاومتی گفته می‌شود این است که در اقتصاد مقاومتی آنچه مد نظر یک جامعه اسلامی است لحاظ می‌گردد. از جمله مواردی که اسلام به آن اهمیت می‌دهد توجه به طبقات ضعیف درآمدی است، یعنی در بحث توسعه، مجموعه اقتصاد و رشد کلی اقتصاد مد نظر است. مثلاً در تئوریهای توسعه ممکن است طبقات پایین درآمدی در یک سطح مصرف پایین یا حتی پایین‌تر از حداقل معیشت وجود داشته باشد، بدین ترتیب فقر گسترش می‌یابد. کما اینکه در تئوریهای توسعه می‌بینید که توزیع درآمد در مراحل اولیه بهم می‌خورد و شکاف درآمدی بین فقرا و ثروتمندان افزایش می‌یابد اما در مراحل بعدی توسعه، رشد اقتصادی و توزیع درآمدها بگونه‌ای می‌شود که شکاف کمتر شده و توزیع درآمدها متعادل‌تر می‌شود.

یک بررسی مربوط به محمد ملکاوی^۱ که در سال ۲۰۰۲ نوشته شده است، روند اقتصاد کشورهای جهان را بررسی کرده است. بخشی از آن مربوط به آمریکا است که در طول یک دوره حدود ۲۰ ساله در حدود ۳۰ میلیون نفر جمعیت این کشور در خط فقر بودند. من این آمارها را تا سال ۲۰۰۹ تعقیب کردم. این رقم در سال ۲۰۰۹ به ۴۵ میلیون نفر رسیده است یعنی افزایش هم پیدا کرده، بخصوص از سال ۲۰۰۸ به بعد یک روند صعودی پیدا کرده است. بنابراین با اینکه اقتصاد در آمریکا توسعه‌یافته است اما از دیدگاه اقتصاد مقاومتی که باید به آحاد مردم توجه شود، به نظر نمی‌آید که این نوع از اقتصادها، اقتصاد مقاومتی باشد. حضرت آیت‌ا... آقای جوادی آملی در یکی از بحثها به همین موضوعات اشاره کرده‌اند که یک بخش عمده‌ای که در اقتصاد مقاومتی است توجه به مردم است آنهم اعتقادات مردم.

1. *Economic Justice: Islam Versus Capitalism*, Dr. Mohammad Malkawi, March 28, 2002

اقتصاد باید در خدمت این اعتقادات باشد. حال اقتصاد چگونه می‌تواند در خدمت اعتقادات مردم باشد؟ چگونه نظام اقتصادی در تقویت اقتصاد مقاومتی می‌تواند جهت‌گیری خود را درست انجام بدهد؟

این موضوع در بخشهای مختلف، یک بحث دامنه‌دار است. مثالی می‌زنم. در اقتصاد کشور، همواره شاهد مطرح شدن بحث مالیات بوده‌ایم. مسائلی از قبیل اینکه مالیاتها افزایش پیدا کند و تکیه بودجه دولت بر مالیات زیادتر شود. آیا زیاد شدن مالیاتها و گرفتن مالیاتهای بیشتر از مالیات‌دهندگان در اقتصاد اسلامی نیز به همان شکل اقتصادهای متداول مطرح است یا اینکه می‌بایستی امکان کسب درآمد بیشتر را ایجاد کنیم که مردم درآمد کسب کنند و آنگاه مالیات را افزایش دهیم. پس بحث تحمیل مالیات بر اقشار مختلف بدون اینکه چه اثری روی درآمد، تولید و اشتغال می‌گذارد و اینکه ممکن است چه کسب و کارهایی را تعطیل کند، بحث مهم و دقیقی است. به نظر من اقتصاد مقاومتی صرفاً چارچوبهایی را که در مکاتب دیگر وجود دارد به عنوان یک چارچوب اقتصاد توسعه یافته در نظر نمی‌گیرد.

نکته دیگر، بحث درآمدهای نفتی است و اینکه عده‌ای می‌گویند که اگر سالیانه ۵ درصد از تکیه بودجه دولت به درآمدهای نفتی کاسته می‌شد امروز خیلی راحت می‌توانستیم کاهش درآمدهای نفتی را تحمل کنیم و بودجه و ساختار اقتصادی به این شکل تحت تأثیر درآمدهای نفتی قرار نمی‌گرفت. به نظر می‌رسد کلیت این حرف درست است اما در عمل وقتی می‌رسیم به برنامه‌ها و بودجه‌هایی که سالها در شکل‌های مختلف اجرا شده، می‌بینیم که به جای حرکت به سمت این اقتصاد غیرمتکی به نفت عملاً هم توسط مجلس و هم توسط دولت، طرحها و پروژه‌های مختلف معرفی و اضافه می‌شود که هدف کلی آنها به شکل خرج کردن درآمدهای نفتی بوده است و نه پس‌انداز و یا صیانت از آنها، حتی مطرح می‌کردند که اصلاً وجود این درآمد نفتی به صورت دلاری در ذخایر دارایی کشور نمی‌تواند در

اقتصاد اثر مثبت داشته باشد. ظاهر این حرف درست است ولی تقویت یک اقتصاد مقاومتی این است که چگونه از این درآمدها بتوان به عنوان سرمایه استفاده کرد، به این معنی که که منابع درآمدی به نوعی سرمایه‌گذاری در داخل و یا خارج از کشور تبدیل شود و بتوان در یک دوره طولانی از منفعت درآمدی آن بهره‌مند شد و یا با تقویت زیرساختهای اقتصادی سبب افزایش رشد اقتصادی و بهره‌وری در کشور شود. نه اینکه یکباره به شکل هزینه‌های جاری و یا واردات کالاهای مختلف خرج شود که در نهایت وابستگی به مصرف و یا وابستگی بخشهای تولیدی به واردات را به همراه آورد. این سرمایه باید به عنوان یک عامل از عوامل تولید بر اقتصاد اثرگذار باشد. می‌بینیم که اگر در یک زمانی درآمد نفتی افزایش می‌یافت بلافاصله به این فکر بودند که در طول سال راهکارهایی را برای خرج کردن آن ایجاد کنند.

صرف تدوین برنامه، چاره‌ساز نیست. اگر خوب نگاه کنیم می‌بینیم از تاریخی که برنامه پنجم تصویب شده تا به امروز، فقط چند مورد از آن اجرا شده است. اخیراً، یک بند از این برنامه که مربوط به کاهش تعداد وزارتخانه‌ها بود را مجلس با دو سوم آرا اصلاح کرد در حالی که تازه در سال اول برنامه هستیم، آن را تغییر می‌دهیم. یعنی صرفاً برنامه‌ریزی، عامل تقویت یک اقتصاد مقاومتی نیست بلکه پای‌بند بودن به برنامه و وحدت تصمیم‌گیری لازم است. پس یکی از راهکارهای دیگر ایجاد اقتصاد مقاومتی این است که یک برنامه داشته باشیم و به آن پای‌بند باشیم و دائماً تغییرش ندهیم. حال لازمه این امر چیست؟ وحدت، همدلی و همسویی بین همه دست‌اندرکاران تدوین و اجرای برنامه. اگر برگردیم به سوابق سالهای مختلف از برنامه‌ها و شکلهای مختلف، می‌بینیم که ضربه‌های متعددی در این زمینه خورده‌ایم.

نکته آخر این است که برای رسیدن به اقتصاد مقاومتی باید چند کار را بصورت مجزا انجام بدهیم. بخش اول این است که فرصتها را بشناسیم. بخش دوم این است

که تهدیدها را بشناسیم و در این فرصتها و تهدیدها تجربه گذشته را نگاه کنیم و از اشتباهات گذشته پرهیز کنیم. در مورد نقدینگی می‌بینیم که این مسئله در واقع یکی از مشکلات اصلی اقتصاد است. رشد نقدینگی جزء معضلات اقتصاد کشور است. هنوز هم، همه به این امر معترفند ولی در نهایت همه دولت‌ها به نوعی از این ابزار استفاده می‌کنند. با این روند، هیچ وقت به آن هدف مورد نظر دست نخواهیم یافت. لذا باید نقاط ضعف و قوت را شناسایی کنیم و سپس برویم بسوی برنامه‌ای که بتواند ما را به سمت اهداف مورد نظر ببرد که این اهداف می‌تواند مندرج در برنامه‌های بالادستی، سند چشم‌انداز و نظایر آن باشد. لذا اگر به آن ویژگیها برسیم اقتصاد مقاومتی خود بخود تقویت، اجرا و محقق می‌شود.

اما بحث اصلی ما این است که چه سازوکاری اتخاذ کنیم که اجرای این سازوکارها بتواند ما را به سمت برنامه مورد نظر هدایت کند. در حال حاضر بحثهایی مثل هدفمند کردن یارانه‌ها، سیاستهای ارزی، مدیریت ورود و خروج کالا و نظایر آن همه در حال تغییر است و در این اقتصاد نه بخش خصوصی می‌تواند کارا باشد نه بخش دولتی، و همه سیاستهای اتخاذ شده، روزمره خواهد بود و اقتصاد مقاومتی از این رهگذر بدست نخواهد آمد.

دکتر درخشان

خیلی ممنون هستیم از جناب آقای دکتر تاری. در خدمت جناب آقای دکتر سیدنورانی هستیم.

دکتر سیدمحمدرضا سیدنورانی*

با توجه به بیانات مقام معظم رهبری، بزرگان، استادان، مقالات و مطالب درج شده در سایتها، برداشت بنده از اقتصاد مقاومتی این است که سؤال کنیم کلمه مقاومت

در اینجا به چه معناست؟ در برابر چه چیزی می‌خواهیم مقاومت کنیم؟ هدف از مقاومت چیست؟

از اهدافی که برای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران مطرح است، کلمه استقلال می‌باشد که جزء شعارهای مردمی نیز قرار داشت (استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی). استقلال معنای گسترده‌ای دارد. برای رسیدن به استقلال یکسری سختی‌هایی را باید تحمل کرد. از اول انقلاب، برای این استقلالی که کشور می‌خواهد داشته باشد بایستی یکسری اصولی را رعایت می‌کردیم تا استقلال ما محقق شود که مقداری سختی از قبیل جنگ تحمیلی، تحریم‌ها و مشابه آن را مردم و حکومت تحمل نمودند. البته استقلال هم درجه‌بندی دارد. اگر خودکفایی اقتصادی را یک شکل از استقلال اقتصادی بدانیم، خودکفایی نسبی در اقتصاد دارد نه خودکفایی مطلق. استقلال هم بعد سیاسی دارد هم بعد اقتصادی که در ایران به استقلال سیاسی اهمیت زیادی داده شد.

برخلاف برخی دوستان که فکر می‌کنند در مورد استقلال اقتصادی کار زیادی شده است، برداشت من این است که راجع به اقتصاد در کشورمان در حوزه نظری کار جدی نشده است. یعنی از اول انقلاب، دولتهایی که سرکار آمدند، یک مدل و برنامه مشخص و مدون برای اینکه بتوانیم یک استقلال اقتصادی در کشور داشته باشیم یا اینکه از طریق مقاومت به آن استقلال اقتصادی برسیم، نداشتند یا اگر هم داشتند الگوبرداری از مدلهایی بود که قبلاً هم وجود داشت. مثلاً بعضی از دولتهایی که سرکار بودند، سیاستهایی را اتخاذ می‌کردند که مثلاً اگر بانک جهانی هم می‌خواست به ما مدل بدهد آنها نیز مانند آن عمل می‌کردند.

زمانی ما در ایران می‌خواستیم جهانی شویم. مدتی بعد می‌خواستیم تعامل بین کشورها را بیشتر کنیم. بحث گفتگوی تمدن‌ها را مطرح کردند. از لحاظ سیاسی

می خواستیم با همه دنیا رابطه دوستانه داشته باشیم و بگونه‌ای رفتار می‌شد که گویا هیچ دشمنی نداریم. در صورتی که دشمن داریم. وابستگی به نفت قبل از انقلاب نیز وجود داشت و این روند را ادامه دادیم. سند چشم‌انداز چند سالی است که تدوین شده است. در همین مدت کوتاه، متأسفانه عده‌ای اظهار نظرهایی می‌کنند و راجع به سند چشم‌انداز ایرادهایی می‌گیرند اما جایگزینی برای ایراد خود ارائه نمی‌دهند. یعنی برنامه‌ای را قبلاً موجود بوده صرفاً خراب می‌کنند.

مشکلی که ما داریم این است که هر دولتی که سرکار می‌آید، سعی در بزرگ جلوه دادن و تعریف از خود دارد. لذا یک نهضت افتتاح طرح در دولتها وجود دارد، به ویژه از دولتهای بعد از جنگ تحمیلی. زمان جنگ این مشکل مطرح نبود بلکه بیشتر خسارت می‌دیدیم و اگر طرح یا پروژه‌ای هم اجرایی می‌شد در فضای جنگ این مشکل یا وجود نداشت یا کمتر مطرح بود و اگر پروژه‌ای اجرا می‌شد در جهت حفظ تمامیت ارضی کشور و نظام بود که البته اینها در نوع خود ارزشمند بود. آن زمان، واقعیت مشخص‌تر بود. مقاومت ما برای حفظ استقلال به شکل حمایت از تولید داخلی انجام می‌شد که البته مشکلات خود را داشت و طبیعی هم بود که دخالت دولت بیشتر شود. سهمیه‌بندی‌ها شکل گرفت، اختیارات و آزادی اقتصادی کم شد و در این شرایط اقتصادی فعال اقتصادی نمی‌تواند آزادانه و بدون مانع تصمیم بگیرد و مسلماً مردم هم بیشتر سختی می‌کشند. بعد از دوران جنگ، انتظار می‌رفت که جمهوری اسلامی ایران سیاستی که اتخاذ می‌کند، به سمت استقلال اقتصادی پیش برود. در این سالها، هر زمان که درآمد نفتی بالا می‌رفت، جز دورانی که بحث حساب ذخیره ارزی مطرح می‌شد و این ذخیره ارزی بیشتر می‌شد، دولتها تلاششان بر این بود که بودجه عمرانی را زیاد کنند، سرمایه‌گذاری کنند و تعداد پروژه‌ها را بیشتر کنند. با توجه به ساختار نمایندگان مجلس کشور که اکثراً

شهرستانی هستند، نماینده خوب به نماینده‌ای گفته می‌شود که پروژه‌های عمرانی را بیشتر به سمت شهر خود سوق بدهد، کارخانه خودروسازی و فولاد یا کارخانه دیگر راه بیاندازد، اشتغال‌زایی کند، صادرات داشته باشد یا اینکه یک منطقه آزاد یا ویژه تجاری برای استان و شهر خود بسازد تا اطرافیان و مردم منطقه بر خوبی عملکرد او صحه بگذارند.

این شیوه کار در کشور، تخصیص بهینه منابع نبوده و بخاطر همین هم در جهت استقلال کل کشور حرکت نشده و حتی ممکن است وابستگی ما را در برخی موارد بیشتر کرده باشد. به عنوان مثال، کارخانه‌ای ساخته‌اند که مواد اولیه این کارخانه می‌بایست وارد شود و تکنولوژی مربوط را در کشور نداریم. در ظاهر امر، می‌گویند که کار کرده‌اند، خدمت کرده‌اند و اشتغال‌زایی کرده‌اند. در کوتاه‌مدت بله، این اتفاق افتاده اما در بلندمدت که نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که مشکلی برای کشور ایجاد کرده است. نمونه بارز و اخیر این مسئله، سیستم بانکی کشور است. زمانی که نرخ ارز بالا می‌رود، سیاست ارزی مشکل پیدا می‌کند. وقتی نرخ ارز ۲ برابر می‌شود، اکثر تولیدات داخل با مشکل روبرو می‌شوند. مگر ما تولیدکننده نبودیم؟ مگر اعلام نشد که تولید را داخلی کرده‌ایم؟

برای مثال صنعت خودرو اگر بگویند که تولیداتش تا ۸۰ درصد داخلی و ۲۰ درصد به واردات وابسته شده است. وقتی به ما قطعه نمی‌دهند، تولید با مشکل مواجه می‌شود؟ در واقع تولیدکننده داخلی ممکن است مقداری به واردات مواد اولیه و واسطه‌ای نیاز دارد مثلاً اگر ۴۰ درصد به واردات وابسته باشد در نتیجه صنعت خودرو ۳۲ درصد (۴۰×۸۰) دیگر به خارج وابسته می‌شود یعنی در حقیقت ۵۲ درصد وابستگی وجود دارد نه ۲۰ درصد که در ابتدای مثال بیان شد. لذا اینکه در گزارشی بیان شود که در صنعت خودروی ما کاهش وابستگی داریم، باید به دقت بررسی شود که ۲۰ درصد یا ۵۲ درصد وابستگی داریم و اگر در تهیه این گزارش،

دقت لازم لحاظ نشده باشد، نتیجه‌اش این خواهد بود که در زمان بحران، ضعفهای ما مشخص می‌شود.

بنابراین برای اینکه به یکی از اهدافمان که استقلال است، برسیم می‌بایست از نظر فرهنگی سرمایه‌گذاری کنیم. در شرکتی شخصی مدیر بود، زمانی که از آن شرکت رفت، مشابه خارجی کالایی را خرید که خودش در آن شرکت آن را تولید می‌کرد. وقتی گاندی می‌گوید که من دیگر لباس انگلیسی نمی‌پوشم، لباسی را می‌پوشم که ساخت کشور خودم باشد یعنی فرهنگی تصمیم می‌گیرد تا بتواند استقلال اقتصادی کشورش را حفظ کند. ما در کشورمان این کار را نمی‌کنیم. همین الان هم که دوستان بحثهایی از این نوع را مطرح می‌کنند، به محض اینکه درآمد نفتی بالا برود و وضع اقتصادی مانند گذشته شود، این بحثها کمرنگ می‌شود. یعنی به حرفهای امثال ما دیگر توجه نمی‌کنند و می‌گویند که ما دیگر مشکلی نداریم، دلار هست و تخصیص می‌دهیم.

وقتی به عنوان مثال در سال ۸۵ گفته می‌شود که تعداد پروژه‌های عمرانی زیاد است و برای این تعداد پروژه پیمانکار نداریم تا بتوانند پروژه‌ها را اجرا کنند، برای این است که وقتی مشکل ارزی پیش می‌آید، بودجه به قدر کافی تخصیص نمی‌دهند، آنگاه با تعدادی طرح نیمه‌تمام مواجه می‌شویم. این طرحهای نیمه‌تمام به دولتهای بعدی به ارث می‌رسد و طرح نیمه‌تمام هم یعنی کار غیراقتصادی. لذا هر گروهی که از لحاظ سیاسی قدرت را بدست می‌گیرد، فکر می‌کند که عقل کل است. برنامه‌های نوشته شده قبلی را کنار می‌گذارد، دوباره برای خود یک گروه می‌سازد و برنامه جدیدی می‌دهد. دولت آقای هاشمی رفسنجانی، برنامه قبلی را کنار گذاشت، سیاست تعدیل اقتصادی را اجرا کرد. دولت آقای خاتمی برنامه قبلی را کنار گذاشت، سیاست ساماندهی اقتصادی را اجرا کرد. دولت آقای احمدی‌نژاد برنامه قبلی را کنار گذاشت، از همان اول هم گفت که این برنامه خوب نیست و

طرح تحول اقتصادی را اجرا کرد. در حقیقت ما نمی‌توانیم در یک چارچوبی که دیگری از پیش برای ما نوشته حرکت کنیم و لذا منابع ما تلف می‌شود. حتی اندیشمندان هم منابعشان هدر می‌رود. یعنی بجای اینکه مطالب را غنی کنیم و تکرار نکنیم، مطالب ۳۰ سال گذشته را تکرار می‌کنیم و لذا دوباره دنبال حرف اول می‌رویم.

خلاصه کلام بنده این است که از نظر فرهنگی و مدیریتی بایستی یک پیمان بین مسئولین کشور داشته باشیم و اینکه هر کسی که در این کشور می‌خواهد مسئولیتی را قبول کند، تعهد بدهد که به این پیمان پایبند است نه اینکه بگوید من به‌ترم و دیگران متوجه نبودند و از نو برنامه بنویسد. مثلاً سیاستهای کلی اصل ۴۴ خودش یک برنامه بود. بنده خودم در مراحل تصویب این قانون بودم. فوق‌العاده قانون مهمی است. این برنامه حداقل برای ۱۰ سال تنظیم شده بود. یعنی معادل ۲/۵ دوره ریاست جمهوری بود و اگر وقت می‌گذاشتند تا این سیاستهای کلی اصل ۴۴ را بتوانند درست اجرا کنند، آنگاه بخش خصوصی قدرت بیشتری می‌یافت و اقتصاد به سمت مقاوم شدن پیش می‌رفت.

این فرمایش مقام معظم رهبری است که در سه یا چهار سال گذشته مطرح شده. همت مضاعف، کار مضاعف، جهاد اقتصادی، اقتصاد مقاومتی، یعنی ما در بخش دولتی و خصوصی توجه خود را به نقطه آسیب‌پذیر یعنی اقتصاد جلب کنیم، تقویت کنیم که پاشنه آشیل کشور ما اقتصاد است. افکاری را که در این زمینه وجود دارد منسجم کنیم و به سمت مقاوم شدن اقتصاد پیش برویم. دیدگاهها باید به این صورت باشد که دیگران سهم خود را انجام داده‌اند، من هم سهم خود را انجام دهم. چون ما معتقدیم به اینکه خداوند متعال بر اعمال ما شاهد است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «الم يعلم بان الله یری: نمی‌بینید که خدا شما را می‌بیند» همچنین پیامبر

اکرم (ص)، امامان، شهدا، زمین و زمان همه شاهد اعمال ما هستند. لازم نیست مردم بفهمند که ما کار می‌کنیم، خدا که می‌بیند کافیت.

دکتر درخشان

ممنون هستیم از جناب آقای دکتر سیدنورانی. در خدمت حجت‌السلام والمسلمین جناب آقای علیزاده هستیم.

حجت‌السلام والمسلمین امیر خادم علیزاده*

بنده در نشست اول بر ضرورت روش‌شناسی دانش یا نظریه اقتصاد مقاومتی تأکید کردم. امروز در بحث سیاستها و راهکارهایی که ما را به اهداف اقتصاد مقاومتی می‌رساند، بر ضرورت نظریه منسجم این نظریه تأکید میکنم تا سیاستها و راهکارها، یک بخش جدا و بدون پشتوانه نظری نباشند بلکه طرح اقتصاد مقاومتی با رویکردی اسلامی اقتضا می‌کند تا این سیاستها و راهکارها براساس آموزه‌های دینی و اسلامی باشند. بعد از بیان سه نکته، هفت راهکار برای اقتصاد مقاومتی، عرض می‌کنم.

نکته اول اینکه راهکار را اخص از سیاست یا راهبرد می‌دانم. راهبرد در اصطلاح اقتصادی مترادف با سیاست است، گرچه برخی راهکار را مترادف با سیاست می‌دانند. اما در تعریف من، سیاستها به شکل عملیاتی می‌تواند به چند راهکار تقسیم شود. نکته دوم چارچوب سیاستها و راهکارهاست. طبیعی است که این نشست به ارائه سیاستها و راهکارهایی می‌پردازد که بر اساس مبانی نظری و دینی استوار است که در نشست اول گفته شده است. نکته سوم ضرورت آسیب‌شناسی سیاستهای پیشین است. زمانی می‌توانیم راهکارهایی را ارائه دهیم که در اجرا قابل استفاده برای تصمیم‌گیران اقتصادی کشور باشد و براساس آسیب‌شناسی سیاستهای گذشته، از کاستی‌ها و اشتباهات فاصله بگیریم و اینکه چه نتایج داشته‌اند تا در طراحی و ارائه

راهبردهای جدید، از تجربه‌های پیشین استفاده کنیم. البته این راهبردها، الزاماتی دارند که سازگاری با فرهنگ و اقتضائات بومی ما از مهمترین آنهاست که سازگاری نهادهای قضایی، اداری، مالی، نظامی و امنیتی را هم باید به آنها افزود. اکنون هفت مورد از این سیاستها به طور خلاصه بیان می‌شود.

۱- سیاست تولید کالاهای اساسی با تکیه بر منابع داخلی

چون اقتصاد مقاومتی یعنی مهندسی اقتصاد به منظور تخصیص بهینه منابع با تأکید بر منابع و امکانات بومی کشور در شرایط تحریم اقتصادی و تهدیدهای خارجی و تولید با کمترین هزینه بر روی مرز منحنی امکانات تولید بومی و حداکثرسازی تابع رفاه اجتماعی کشور در شرایط تحریمها و تهدیدها این سیاست از طریق راهکارهای زیر قابل اجراست.

۱. هدایت بنگاههای تولیدی و خدماتی و بطور کلی صنایع تولیدی و مالی کشور به سوی الگوهایی از تولید کالا و خدمت که در توابع هزینه خود، نهادهای بومی را به منظور تولید کالاهایی بطور نسبی ارزان‌تر و با مزیت نسبی بالاتر، جانشین نهاده‌ها و کالاهای واسطه‌ای وارداتی کنند. اساساً ضربه‌پذیری ما در شرایط اقتصاد تولیدی کمتر است تا اقتصاد وارداتی و این یک اصل مهم در مسائل اقتصادی است. ما بر روی مرز منحنی امکانات تولید بومی کشور خود به حداکثرسازی تابع رفاه اجتماعی می‌پردازیم. در اینصورت این سیاست کلی از طریق راهکارهایی مثل هدایت بنگاههای تولیدی و خدماتی و بطور کلی تمام صنایع کشور به سوی تولید کالاهایی است که بطور نسبی ارزان‌تر باشد. درسهایی را که ما از ویتنام از سال ۱۹۴۵ به این طرف یا ژاپن، آلمان و هند گرفته‌ایم می‌بایست مرور کنیم. دستور آموزه‌های دینی ماست که از تجارت کشورها و نسلهای دیگر استفاده کنیم.

۲. فرهنگ‌سازی و هدایت مصرف‌کنندگان کالاهای نهایی به سوی مصرف کالاهای تولید داخل از طریق ارائه الگوهای مصرفی کارآمد و ارزان‌تر داخلی و ایجاد ساختاری که بتواند بر رفتار مصرفی جامعه تأثیر بگذارد.
۳. سومین راهکار، تولید انبوه کالاهای اساسی و کم‌کشش از طریق حمایت یارانه‌ای و یا معافیت مالیاتی صنایع داخلی است. بطوری که قیمت‌های نسبی به سوی کالای کاملاً بومی تغییر یابد و بر نرخ نهایی جانشینی یا MRS فرد ایرانیان به نفع جانشین کردن کالای کاملاً بومی تأثیر آشکاری داشته باشد و اکتفا به شعار دادن بدون ایجاد این ساختار در تولید و مصرف، تأثیر عملی ندارد. در ویتنام کمیته‌ها و تشکلهای اقتصادی کوچک و متوسط تشکیل شده بود و مدل^۱ SME در ویتنام شهرت جهانی دارد. ما چقدر در این زمینه مطالعه کرده‌ایم؟ چند مقاله راجع به این تشکلهای خوانده‌ایم؟ اینها با مشارکت و برنامه‌ریزی دولت توانسته‌اند برای مقاومت الگوهای بسازند و از آن پیروی کنند. پس اینها برنامه‌ریزی کرده‌اند و تجربه خوبی برای ما می‌باشد.
۴. قطع یارانه به تولید بیگانگان (دلار ارزان برای واردات کالاهای آنها) و پرداخت آن به تولید داخل
۵. اصلاح و کارآمد کردن نظام مالیاتی کشور: علاوه بر اصلاح اداری و کاهش آثار ضد توزیعی مالیاتها، در فضای اقتصاد مقاومتی، مالیات بیشتر بر کالاهایی که با اهداف اقتصاد مقاومتی ناسازگارند، یک راهکار کارآمد می‌باشد. بطور کلی مالیات‌ستانی بر محور اقتصاد مقاومتی یک اصل می‌باشد.
۶. تولید بومی و منطقه‌ای با توجه به مزیت نسبی آن منطقه و آمایش جغرافیایی که در سطح کلان به توزیع منابع و تخصیص بهینه یعنی کارآیی آنها منجر

۱. تشکلهای اقتصادی متوسط و کوچک (Small Medium Enterprise)

می‌شود یعنی به عنصر مزیت نسبی و آمایش سرزمین و اقلیم و عدالت و کارآیی توجه شده است. (طرح آمایش صنعت، کشاورزی و ...) آمایش اقلیم یا سرزمین باید در سطح صنایع خودرو، فولاد، صنایع کوچک و بزرگ باشد. برنامه‌ریزی به این معناست که چیزی را عملیاتی کنیم تا بتوانیم در برابر این تحریمها و تهدیدها مقاومت کنیم. ولی به نظر می‌رسد ما هنوز به این فضا نزدیک نشده‌ایم.

۷. راهکار تقدم سیاستگذاری در زمینه تولید و تأمین صنایع استراتژیک همچون غذا، دارو، در چارچوب پارادایم تأمین نیازهای اساسی مردم که موافق و سازگار با آموزه‌های دینی نیز می‌باشد.

۸. راهکار اجتناب از اقتصاد دلالی و سوداگری و حرکت به سوی اقتصاد تولید: اقتصاد دلالی نه تنها توانایی مقاومت در برابر نوسانات برونزای اقتصادی ندارد بلکه ضریب آسیب‌پذیری بالایی نیز دارد لذا آن اقتصاد با اقتصاد مقاومتی ناسازگار تلقی می‌شود. اما اقتصاد تولید محور ضریب ماندگاری و مقاومت بیشتری در شرایط نوسانی دارد. مسلماً با ایجاد ساختارهای مناسب باید از چنین اقتصادی به سوی اقتصاد تولید برویم.

۲- سیاست گسترش فرهنگ اقتصاد مقاومتی

گسترش و تعمیق فرهنگ اقتصاد مقاومتی و باورداشت آن از سوی مردم و مسئولان ضامن موفقیت تمام راهکارها و سیاست‌گذاری‌ها است. این سیاست از طریق راهکارهای زیر قابل پیگیری است

۱. حاکمیت فرهنگ اقتصاد مقاومت: برای مقاومت و ایستادگی بلندمدت تا رسیدن به اقتدار اقتصادی که زمینه‌ساز اقتدار سیاسی نیز هست باید نظام آموزش اولیه تا دانشگاهها و حوزه‌های علمیه جایگاه فرهنگ مقاومت در عرصه اقتصادی و بلکه حیات اجتماعی را تبیین و باور داشته باشند.

نظام آموزش اولیه در کره جنوبی برنامه‌هایی داشت که برای توانمندسازی اقتصادشان از کودکان شروع می‌کردند. آیا ما در دانشگاهها چنین کاری کرده‌ایم؟ آیا ما سیستم SME ویتنام را در درس اقتصاد توسعه یا اقتصاد ایران در دانشکده‌های اقتصادمان در ایران مطرح کرده‌ایم؟ به نظر می‌رسد تبیین درست این فرهنگ و وظیفه دانشگاهها و حوزه‌های علمیه است.

۲. دومین راهکار، اعتماد به نفس و خودباوری بین دولتمردان و مردم است. بی‌شک کسانی که این باور را ندارند، نمی‌توانند بسوی آن گام بردارند. در ژاپن پس از جنگ ۱۹۴۵، آیین شینتو محور همبستگی دولتمردان و مردم بود. مسلماً در آموزه‌های اسلامی، ما بالاتر از این آیین را داریم که در آموزه‌های قرآنی و علوی قابل مطالعه است. همگرایی و همبستگی ملی که در ژاپن و ویتنام و آلمان دیدیم، نمونه‌هایی از این دست هستند. همینطور در دوران دفاع مقدس که رهبری امام (قدس سره) در این اتحاد نقش اساسی داشت.

۳. راهکار دیگر، مهندسی اخلاق اقتصادی است. یعنی باید فضای قانونی، حقوقی و قضایی ما متناسب با اقتصاد مقاومتی باشد. آیا فرهنگ اقتصادی کشور در عرصه تولید، مصرف و توزیع با چنین فضایی بازمهندسی شده است؟ اینها بیان گامهای عملی در زمینه اقتصاد مقاومتی است و می‌شود از هر جایی و از هر نقطه‌ای شروع شود.

۴. ایجاد فضای قانونی و حقوقی متناسب با محیط اقتصاد مقاومتی

۵. بازمهندسی فرهنگ اقتصادی کشور در عرصه تولید، مصرف و توزیع

۶. اصلاح و ارائه نظام مالی سازگار با اقتصاد مقاومتی: بازتعریف نهادهای اقتصادی از دیگر راهکارهاست. در کشورهایی که اشاره کردم، مقولاتی از این نوع در مسائل مالی و بانکداری‌شان وجود دارد. آیا ما شروع کرده‌ایم؟

الان نظام بانکداری ما با اقتصاد مقاومتی متناسب است؟ ضروری است که در نهادهای مالی و پولی بازتعریف صورت پذیرد. این کار را دیگران انجام داده‌اند و قطعاً در کشور ما نیز امکان‌پذیر است.

۳- سیاست اصلاح و مدیریت مصرف و هزینه‌ها

مدیریت مصرف نه در توصیه‌های اخلاقی و ملی خلاصه می‌شود و نه در مهندسی و اصلاح قیمت‌های نسبی، بلکه مجموعه‌ای از این دو و الگوسازی و ساختارهایی است که بطور عقلایی به استفاده بهینه منابع در چارچوب یک تابع رفاه اجتماعی منجر شود. اصلاح ساختار هزینه‌ها نیز پس از فرهنگ‌سازی مناسب برای پذیرش کاهش آنها از طریق یک دیوانسالاری ساده و کارآمدی ممکن است که بتواند ساختارها را طراحی و به اجرا درآورد. این سیاست از طریق چه راهکارهایی عملی می‌شود؟

۱. اصلاح الگوی مصرف: این اصلاح در بخش خانوارها و مصارف دولت و بخش عمومی، گام اول در موفقیت اقتصاد مقاومتی به شمار می‌رود. اصلاح الگوی مصرف و فرهنگ‌سازی در این زمینه در سطح کلان و در سطح خانوارها یک ضرورت جدی برای اقتصاد مقاومتی است.
۲. فرهنگ‌سازی و هدایت مصرف‌کنندگان کالاهای نهایی به سوی مصرف کالاهای تولید داخل از طریق ارائه الگوهای مصرفی کارآمد و ارزان‌تر داخلی و ایجاد ساختاری که بتواند بر رفتار مصرفی جامعه تأثیر بگذارد.
۳. تأکید بر الگوی قرآنی مصرف قوام: یعنی دوری از خساست که ضد مصرف متعارف و در نتیجه سرمایه‌گذاری و تولید است و دوری از اسراف که از بین برنده منابع کمیاب و افزایش هزینه‌های فردی و اجتماعی و دوری از تخصیص عادلانه منابع جامعه است.

۴- سیاست گسترش کمی و کیفی صادرات غیرنفتی

می‌توان گفت راه برون‌رفت از اقتصاد نفتی ایران و رهایی از وابستگی، تکیه بر اقتصاد بومی و بدون نفت و درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت خام می‌باشد. بخصوص که بیشترین ضربه‌پذیری اقتصاد ما از این ناحیه می‌باشد. می‌دانید که تا کنون بیش از ۸۰٪ درآمدهای ارزی کشور مربوط به نفت بوده است اما به لحاظ اقتصادی و تحریم‌های اخیر، ضربه‌پذیری ما درست در همین نقطه است. لذا باید از همین نقطه هم برنامه‌ریزی برای مقابله با تحریم‌ها را آغاز کنیم. این سیاست از راه‌های زیر می‌تواند دنبال شود.

۱. توانمندسازی ساختارهای تولیدی کشور در جهت صادرات کالاها و خدماتی که تأمین کننده درآمد ارزی بوده و زمینه واردات نهاده‌های اساسی را فراهم کنند.
۲. تشویق صادرات بیشتر به کشورهای همسو و اعمال معافیت‌های مالیاتی و گمرکی و سود بازرگانی برای صادرکنندگانی که در کنار خلاقیت و افزایش بهره‌وری تولید و صادرات از کار و سرمایه ایرانی به نسبت بیشتری استفاده کرده‌اند. سیاستهایی که آلمان و چین در زمینه صادرات داشتند این بود که دولت به بخش خصوصی می‌گفت چنانچه با برنامه‌ای که مدنظر ماست و اهداف ما را تأمین کند، کار کنید، از بخشودگی مالیاتی بالا برخوردار می‌شوید یا سیاست پاداش در مقابل برنامه‌هایی که موافق با سیاستهای کلان کشور بود اتخاذ می‌کردند.
۳. صادرات خدمات نیروی کار بخصوص خدمات مهندسی دارای مزیت نسبی: صادرات نیروی کار متخصص به خارج (بخصوص کشورهای طرف مبادله) می‌تواند زمینه اشتغال بیشتر نیروی کشور و در نتیجه موجب کاهش

بیکاری از یکسو و افزایش درآمد و تجربیات آنان باشد که در هر صورت به نفع اقتصاد ما می‌باشد.

۴. دگرگونی ساختار اقتصاد نفتی ایران: توقف صادرات نفت، نعمتی الهی و توفیقی اجباری است که ما را از وابستگی به ۸۰ درصد از درآمد کشور که از فروش نفت بدست می‌آید، نجات می‌دهد و زمینه بروز خلاقیت‌ها و نوآوری‌هایی در کشور می‌شود که جایگزین این درآمد باشند که بخشی از این نوآوری‌ها می‌تواند در صنعت نفت اتفاق افتد یعنی تولید مقداری نفت با هدف پالایش و تبدیل آن به انواع فرآورده‌های نفتی که در صورت صادر شدن نیز چندین برابر نفت خام، ارزآور باشد. ضمن اینکه نیاز کشور به فرآورده‌های نفتی را مرتفع می‌سازد نوآوری‌ها در برخی صنایع مثل صنایع دفاعی و نظامی رشد کرده است اما به نظر من نامتوازن می‌باشد. این نوآوری‌ها باید در صنعت نفت که آسیب‌پذیری ما بیشتر است، بیشتر شود.

۵- سیاست گسترش بخش خصوصی به عنوان مکمل بخش عمومی

اصل تعامل بخش عمومی و خصوصی به معنای همگرایی و هم‌گامی کامل مردم و نظام می‌باشد و بدون اعتقاد مشترک این دو بخش به اهداف نظام اقتصاد مقاومتی امید موفقیت این سیاست‌ها وجود ندارد.

۱. حضور و مشارکت گسترده مردم با تأکید بر اصل ۴۴ قانون اساسی: حضور و مشارکت گسترده مردم با تأکید بر اصل ۴۴ قانون اساسی یک راهکار مهم برای اقتصاد مقاومتی است.

۲. پاداش دادن به بخش خصوصی سازگار با سیاستهای اقتصاد مقاومتی دولت و غرامت گرفتن از بخش ناسازگار (سیاست شیرینی و شلاق در آلمان پس از جنگ جهانی دوم در برابر بخش خصوصی در این کشور) با آن، یک معیار و راهکار مشخص می‌باشد.

۳. انعطاف‌پذیری هوشمندانه دولت و واکنش مسئولانه مردم برای کاهش آثار منفی تحریم‌های اقتصادی

۶- تدوین و اعمال سیاستهای ارزی سخت‌گیرانه

این سیاستها باید در جهت تحکیم پایه‌های مقاومت اقتصاد در برابر تحریم‌های خارجی و تهدیدهای داخلی باشد. بطوری که ارز به جای واردات کالاهای مصرفی برای واردات نهاده‌های استراتژیک و فناوری جدید تخصیص یابد و یارانه ارزی بجای تعلق گرفتن به کالاهای مصرفی و وارداتی نهایی، صرف تولید کالای با کیفیت داخلی شود. راهکارهای این سیاست کلی عبارتند از:

۱. نهادهای ناظری همچون اتاق مبادلات براساس یک سری ضوابط و معیارهای سازگار با اقتصاد مقاومتی با آورده ارزی صادرکنندگان رفتار کند برای نمونه در صورتی که این صادرات در چارچوب مورد نظر دولت یا بانک مرکزی باشد یا صددرصد از نهاده داخلی با بهره‌وری بالا استفاده کرده باشد، ارز او را با قیمت بازاری ارز بخرد تا نوعی پاداش صادراتی سازگار با اقتصاد مقاومتی باشد.
۲. تخصیص ارز به واردات نهاده‌های کالاهای اساسی که در داخل کشور تولید نمی‌شوند.
۳. اجرای سیاستهای پولی و مالی هماهنگ با سیاستهای ارزی. در ویتنام برای گسترش بازارهای مالی بررسی کردند و دیدند بین ۱۹۵ بنگاه، ۱۶۲ بنگاه نیازمند تأمین مالی بیرون از بنگاه است، آنگاه منابعی را برای تأمین این بنگاهها تخصیص دادند و دیدند که ۱۰۳ بنگاه از این منابع استفاده کرده‌اند و لذا به آنها جایزه دادند و روی آنها سرمایه‌گذاری کردند. آیا ما چنین کاری کرده‌ایم یا می‌خواهیم دنبال چنین برنامه‌هایی برویم؟

۴. گسترش بازارهای مالی بخصوص بازار سرمایه و باز کردن آن به روی سرمایه گذاران مردم منطقه که از این فرصت تاکنون استفاده نکرده ایم. این مسئله، آسیب پذیری ما را در منطقه کم می کند.

۷- سیاست گسترش مناسبات اقتصادی با کشورهای منطقه

بر این اساس ارتباط با کشورهای همسایه از یکسو منافع مشترک را تأمین و هزینه مبادله را کاهش می دهد و از سوی دیگر به ثبات و امنیت مرزها کمک می کند و آسیب پذیری کشورها را کاهش می دهد که برای پیشرفت اقتصادی ثبات اجتماعی و اقتصادی بستر مناسبی است.

۱. راهکار انعطاف پذیری در سیاستها و انجام مبادلات اقتصادی براساس ترجیح اهم بر مهم و مصالح برتر بر منافع کوتاه مدت که در چارچوب آموزه های اسلامی و بکارگیری قاعده تزامم است. مبنای دیگر این انعطاف پذیری اصل حفظ نظام می باشد که تغییر سیاستها و راهبردها را به نفع اصول و براساس فدای عزیز برای حفظ عزیزتر توجیه می کند و زمینه استفاده از اصل و قاعده ثانویه فقهی را فراهم می نماید.
۲. برای افزایش اقتدار و توانمندی اقتصادی، در حوزه تجارت خارجی می توان با اشتراک در بانک مشترک (اسلامی، منطقه ای و ...) با کشورهای همسو و یا تحت سلطه، نوعی چتر مالی برای مبادلات خارجی ایجاد کرد که از آسیب پذیری در حساب سرمایه و جاری کشور می کاهد.
۳. تأسیس بازار مشترک، اتحادیه های تجاری و پیمان های منطقه ای و فرامنطقه ای و کاهش تعرفه ها بطوری که ضمن تأمین منافع ملی، برای کشورهای طرف مبادله و تجارت خارجی نیز سودآور باشد، گام مؤثری برای استفاده از مزیت های نسبی اعضا و در جهت شکوفایی اقتصاد آنها خواهد بود.

۴. راهکار تنوع‌سازی مجاری درآمدی و مالیاتی و بازرگانی خارجی بر کاهش ریسک ناشی از قطع ناگهانی مبادلات تجاری و ایجاد حاشیه امن تجاری برای اقتصاد ملی.

دکتر درخشان

خیلی ممنون هستیم از حجت السلام والمسلمین جناب آقای علیزاده برای چارچوب جامعی که از سیاستها و راهکارهای اقتصاد مقاومتی ارائه دادند. در خدمت جناب آقای دکتر قوامی هستیم.

دکتر سیدحسن قوامی*

می‌دانیم که اقتصاد مقاومتی الزاماتی دارد و استفاده از راهکارهای مناسب و دارای پشتوانه علمی می‌تواند نتایج دلخواه و مطلوبی را بدست آورد و در عمل اهداف اقتصاد مقاومتی را محقق سازد بنابراین می‌توان الزامات و راهکارهای به شرح زیر را برای اقتصاد مقاومتی ارائه کرد. ضمناً در ادامه بحث به ویژگی‌های سیستمی اقتصاد مقاومتی، خطوط راهنما برای تدوین سیاستهای کلی کشور بر مبنای اقتصاد مقاومتی، آسیب‌های موجود در وضعیت فعلی کشور و به آثار اجرایی شدن اقتصاد مقاومتی اشاره خواهد شد.

الزامات اقتصاد مقاومتی چیست؟

تحقق اقتصاد مقاومتی و موفقیت الگوی اقتصاد مقاومتی در عمل نیاز به تحقق الزاماتی است که بعضی از این الزامات داخلی و برخی منطقه‌ای و حتی برخی بین‌المللی است. بنابراین امکان تحقق موفقیت‌آمیز اقتصاد مقاومتی منوط به رعایت الزامات زیر است:

۱. مردمی کردن اقتصاد که در جنگ تحمیلی هم پاسخ داده است. کمک‌های مردمی دوران جنگ تحمیلی در مقابل هزینه جنگ رقمی نبود ولی هر کمکی در واقع یک رأی و متعلق دانستن جنگ به خود بوده است. یکی از راههای مشارکت مردمی در اقتصاد افزایش سهم بخش تعاون تا ۲۵٪ و اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی است.
۲. دانش بنیان کردن اقتصاد. مثلاً موبایل ۹۷٪ ارزش آن را تکنولوژی و دانش تشکیل می‌دهد. در حالی که بخش عمده تولیدات داخلی دانش بنیان نیستند. حتی در صنایع دانش بر مثل پتروشیمی ما تولیدکننده کالای واسطه هستیم و خودمان در برخی قطعات و مواد با تکنولوژی بالا وابسته هستیم.
۳. تنوع‌بخشی به صادرات. در حال حاضر در حدود ۳۰ درصد صادرات ما را محصولات غیرنفتی تشکیل می‌دهند. در حال حاضر عمده صادرات کشور را نفت و مشتقات نفتی از جمله میعانات گازی تشکیل می‌دهد.
۴. مدیریت واردات. واردات رسمی کشور بالای ۷۰ میلیارد دلار بوده و در صورتی که قاچاق را به آن اضافه نمایم در حدود ۹۰ میلیارد دلار کالا و خدمات وارد می‌شود که این به هیچ وجه با اقتصاد مقاومتی سازگاری ندارد.
۵. تأکید بر تولید داخلی. تولید داخلی علاوه بر اینکه بایستی مورد توجه قرار گیرد، لازم است در بخشهای اثرگذار امکان تولید صفر تا صد کالاها را دارا باشیم. هم اکنون گرچه برخی کالاها، تولید داخلی حساب می‌شوند ولی در برخی قطعات همچنان وابستگی مشاهده می‌شود. فلذا بجهت عدم امکان دسترسی به برخی قطعات تکمیلی امکان عرضه آن میسر نمی‌باشد.

۶. اصلاح سبک معیشت. سبک زندگی تا به تناسب فرهنگ ایرانی- اسلامی شکل نگیرد، راه اندازی یک سبک سازگار با اقتصاد مقاومتی امکان پذیر نخواهد بود.
۷. کارآفرینی جامع و توجه به خوشه‌های صنعتی و مدیریت صحیح در بنگاه‌های رهبر و پیرو در این زمینه.
۸. بومی سازی فناوری. بایستی نهضت بومی سازی فناوری شکل گیرد در کنار ابداع و اختراع بایستی نهضت مهندسی معکوس برای بومی سازی فناوری از اهمیت بالا برخوردار شود. ساخت پهباد و... به عنوان نمونه عملی که نشان می دهد امکان تحقق این مسأله وجود دارد. کشور چین عمده موفقیت‌های صنعتی خود را از این طریق کسب کرده است.
۹. بهبود فضای کسب و کار. با تمام تلاش‌های صورت گرفته رتبه فعلی ایران در فضای کسب و کار هم اکنون ۱۴۵ است.
۱۰. حذف وابستگی به نفت. هم اکنون فضای اجباری شکل گرفته برای فروش نفت و جابجایی منابع گرچه فشار زیادی به کشور وارد می کند ولی این می تواند یک فرصت مناسب برای شکل گیری اقتصاد مقاومتی باشد. به عبارتی، مشکل اساسی کشور، عدم پیشرفت بخش صنایع به معنی اعم و درگیر شدن کشور با بیماری هلندی در مقاطع مختلف بوده است. اجتناب از این مشکلات با این رویکرد قابل حل است.
۱۱. مدیریت مصرف اقدام عملی به اضافه فرهنگ سازی که برعهده رسانه‌ها است. صرفه جویی در مصرف و جلوگیری از اسراف و تبذیر و اتلاف ... هم از نظر دینی و هم ملی مطرود است. ولی نگاه به تصمیمات دولتی عمومی و به تبع آن بخش خصوصی عملکرد مصرفانه دارند.

۱۲. ضرورت استفاده حداکثری از زمان، منابع و امکانات کشور. به عنوان نمونه بایستی پروژه‌های ملی در ظرف زمانی خود به اتمام برسند. در حال حاضر حکایت پروژه فیل سفید بر پروژه‌های عمرانی و ملی کشور صدق می‌کند در اقتصاد مقاومتی گلنگ‌زنی‌های صرفاً سیاسی بایستی تعطیل شود و اقدامات توجیه اقتصادی داشته باشد.

۱۳. افزایش بهره‌وری. اعم از بهره‌وری نیروی کار و سرمایه از مصادیق بارز برای نیل به اقتصاد مقاومتی به حساب می‌آید.

ویژگیهای سیستمی اقتصاد مقاومتی موارد ذیل می‌باشند:

- پویا. منفعلانه عمل نمی‌کند در عین حال که به دنبال رفع محدودیت‌های فعلی است ولی برای رشد در شرایط جدید تلاش می‌کند.
- درون‌زا (خودباور). تکیه اصلی اقتصاد مقاومتی به ظرفیتهای داخلی بوده و در جاهایی که نیاز به بیرون دارد ضمن تسهیل طروق دستیابی به دنبال بومی‌سازی آن است.
- پیشتاز (دارای حرف نو). در قالب صرفاً راههای شناخته شده حرکت نمی‌کند بلکه راههای میانبر با توجه به تجربه‌های بشری برای پیشرفت اتخاذ و تا نیل به اهداف در آن مسیر حرکت می‌کند.
- پیش‌نگر. آینده‌نگر بوده و با توجه به رصد آینده برنامه‌های خود را طراحی و پیگیری می‌کند (سند چشم‌انداز).
- عرضه‌محور. باید توجه داشت مشکل کشور تقاضا نیست بلکه عرضه است.

محورها و خطوط راهنما برای تدوین سیاستهای اقتصادی کشور به منظور نیل به اهداف اقتصاد مقاومتی

به عبارتی برای عملیاتی شدن الگوی اقتصاد مقاومتی سیاستهای اقتصادی کشور براساس چه محورهایی می‌بایستی تنظیم و پیگیری گردند تا به اقتصاد مقاومتی و اهداف آن دست یابیم؟

با توجه به ویژگیهای اقتصاد مقاومتی می‌بایستی محورهای اقتصاد مقاومتی به عنوان راهنمای مسیر طراحی و سیاستهای اقتصادی کشور لازم است با توجه به آنها تدوین گردد. مهمترین محورهای اقتصاد مقاومتی به قرار زیر است که نوعاً به تجدید ساختار اقتصادی می‌پردازند:

۱. مشارکت حداکثری، فعال و مؤثر آحاد جامعه در همه ابعاد و سطوح اقتصادی با تأکید بر ارتقای نقش و جایگاه طبقات کم‌درآمد و متوسط.
۲. خوداتکایی در تأمین نیازهای اساسی.
۳. تجدید الگوی تجارت در کوتاه‌مدت و تجدید آرایش در مبادلات بین‌المللی و گسترش همکاریهای و مبادلات اقتصادی با کشورهای مورد نظر جهت فعال‌سازی کلیه ظرفیتهای اقتصادی و نیروی انسانی کشور در درازمدت (گسترش ارتباطات تجاری).
۴. طراحی و ساماندهی چرخه دانش - ثروت با تأکید بر تولیدات دانش‌بنیان.
۵. واکنش هوشمند، فعال، سریع و بهنگام و دارای توانمندی‌های آفندی در مقابل تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی.
۶. آینده‌نگری روند تحولات جهانی و ملحوظ نمودن آن در سیاستهای اقتصادی و اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی و افزایش آمادگی و سرعت بخشیدن به واکنش هوشمند در مقابل تحولات جهانی. برخی کشورها

- برنامه برای تحولات ۲۵ سال آینده دارند. ماهاتیر محمد با برنامه ۳۰ ساله خود، مالزی را به پیشرفت رساند.
۷. مدیریت مصرف و بهره‌وری حداکثری از منابع و محصولات بویژه محصولات داخلی.
۸. ارتقای سطح بهره‌وری و افزایش سهم نیروی کار و سرمایه از تولید به تناسب ارزشهای افزوده و بهره‌مندی عادلانه سهم عوامل از زنجیره تولید-مصرف.
۹. نهادینه کردن فرهنگ جهاد اقتصادی و استقامت و ظرفیت‌سازی برای افزایش آستانه تحمل اجتماعی.
۱۰. توجه هوشمند به موضوع سلامت، امنیت و اقتصاد که از طریق ارتقای عدالت اجتماعی و توانمندسازی آحاد جامعه و بهبود فضای کسب و کار و اطمینان بخش برای فعالان اقتصادی شکل می‌گیرد.
۱۱. کاهش حداکثر اتکای بودجه و تراز جاری به درآمدهای نفتی.
۱۲. ایجاد ثبات اقتصادی از طریق اتخاذ سیاستهای پولی و مالی و ارزی متناسب و مناسب با ظرفیتهای اقتصادی کشور و مهار نوسانات اقتصادی به منظور برقراری ثبات اقتصادی.

آسیب‌شناسی وضع موجود و تهدیدات اقتصادی

۱. وابستگی به زیرساختهای بین‌المللی برای تبادل پول و کالا و اطلاعات.
۲. شکل‌گیری صنایع کشور بر مبنای صنایع مونتاژ و وابسته و عدم وجود چرخه کامل تولید حتی در تولیدات ملی.

۳. وابستگی کالاهای استراتژیک و حیاتی کشور به خارج از کشور، اعم از نیازهای روزمره و اساسی مردم (گندم، شکر، روغن، ...) و مواد اولیه و تجهیزات تولید در کشور.
۴. وابستگی در فناوری و تکنولوژی دانش محور به خارج از کشور.
۵. وابستگی بودجه کشور به نفت و تراز منفی تجاری بدون احتساب نفت.
۶. وجود ساختارهای آسیب‌پذیر و ایجادکننده رانت در اقتصاد (نظام توزیع، قاچاق، ...)
۷. وجود رابطه تجاری ناعادلانه به علت صادرات کالاها با تولید غیردانش‌بنیان و واردات کالاهای ساخته شده با اقتصاد دانش‌بنیان.
۸. بالا بودن شدت مصرف انرژی در ایران در مقایسه با اغلب کشورها.

دستاوردهای الگوی اقتصاد مقاومتی

در صورتی که الگوی اقتصاد مقاومتی با موفقیت برنامه‌ریزی شود و به اجرا درآید، دستاوردهای زیر متصور است:

۱. تبدیل تهدیدات و مشکلات به فرصتها. مثلاً وابستگی به نفت همیشه مشکل بوده است. با اجرای موفق این الگو مشکل برای همیشه حل خواهد شد. جان پاپو اقتصاددان و وزیر نفت سابق ونزوئلا جمله مشهوری دارد که نفت فضله شیطان است.
۲. ایجاد مصونیت در اقتصاد داخلی و عدم امکان فشار برای اقتصاد از سوی کشورهای متخاصم و غیرهمسو.
۳. معرفی ایران اسلامی به عنوان یک کشور موفق و دارای الگوی موفق با داشتن نظام اقتصادی متفاوت از نظامهای اقتصادی موجود.

۴. صیانت از منابع کشور و تبدیل صادرات از خام فروشی به مواد ساخته شده نهایی با ارزش افزوده بالا.
۵. تداوم استقلال سیاسی کشور به پشتوانه استقلال اقتصادی.

دکتر درخشان

از جناب آقای دکتر قوامی خیلی سپاسگزاریم. در خدمت حجت السلام والمسلمین جناب آقای دکتر عیسوی هستیم.

حجت السلام والمسلمین دکتر محمود عیسوی*

نکاتی که در این جلسه مطرح می شود به هیچ وجه به مفهوم نفی تلاشهایی نیست که در طول سالیان متمادی در کشور از سوی دولت های مختلف صورت گرفته است، بلکه هدف این است که بتوانیم از تجربیات گذشته برای ساختن آینده ای بهتر استفاده کنیم. به عنوان مثال، همانطور که در صحبت همه دوستان هم بود، یکی از ضعفهای ما که بنده هم بطور جدی بر آن تأکید می کنم، وابستگی اقتصاد ملی به نفت است. نفتی که باید منشأ قدرت باشد در مواقعی حربه علیه ما شده است. این رویداد تازه ای نیست. از زمان ملی شدن صنعت نفت یکی از آرمانهای ملت ایران این بود که بتواند نفت را آنطور که خودش می خواهد مدیریت و استفاده کند. در واقع اقتصاد تک محصولی خود را به صورتی سامان دهد که بتواند از همه ظرفیتهای خود استفاده کند. این آرمان، همچنان خواسته ملت ایران است. اما معنایش این نیست که هم اکنون در همان شرایط زمان ملی شدن صنعت نفت هستیم. ما امروزه گام های بلندی را در بهبود وضعیت اقتصادی کشور برداشته ایم. اگر به صادرات غیرنفتی خود نظری بیافکنیم صادراتی مثل فرش، پسته و نظایر آن در اوایل انقلاب در حدود ۴ یا ۵ درصد بود اما آماري که اکنون اعلام شده حدود ۳۰٪ است. نه

اینکه این ۳۰٪ خوب است اما بالاخره بین ۵٪ تا ۳۰٪ فاصله قابل توجهی است. ما باید این فاصله را روز به روز بیشتر و عمیق‌تر کنیم. بنابراین همه دولتهایی که سرکار آمدند، بگونه‌ای تلاش کردند تا وابستگی کشور را از به درآمدهای نفتی کاهش دهند و در این جهت تلاش کردند تا زیرساختهایی در اقتصاد کشور ایجاد کنند تا سکویی برای پرش نسلهای بعد باشد.

به عنوان مثال در زمینه حمل و نقل جاده‌ای و ریلی به عنوان یکی از زیرساختهای مهم برای پیشرفت کشور، آمارها کاملاً گواه است که در کشور کارهای زیادی صورت گرفته اما هنوز با نقطه مطلوب فاصله زیادی داریم. بخش وسیعی از کشور را هنوز نتوانسته‌ایم با حمل و نقل ریلی پوشش دهیم. بسیاری از مناطق کشور وجود دارد که هنوز جاده‌های مناسب خود را ندارند. بنابراین حرفهایی که در این جلسه مطرح می‌شود بیشتر برای این است که بتوانیم برای دستیابی به نقطه مطلوب جهت گیریهای مناسب‌تری داشته باشیم. ما باید بتوانیم از آنچه از سوی دشمن به صورت فشار و مشکل بر ما تحمیل شده است در جهت منافع ملی خودمان استفاده کنیم و تهدیدات دشمن را به فرصتهایی بزرگ برای کشور تبدیل کنیم.

با این توضیحات، می‌بایست اقتصاد مقاومتی را مدلی برای برون‌رفت از شرایطی دانست که یا دشمنان بر ما تحمیل کرده‌اند یا خود در درون به دلایلی به آن گرفتار هستیم. اقتصاد مقاومتی را باید مدلی عملیاتی دانست برای آنکه بتوانیم از امکانات خدادادی خود بهترین استفاده را به عمل آوریم و از خروج سرمایه‌های انسانی و منابع طبیعی خودمان از کشور جلوگیری کنیم. در واقع، بگونه‌ای قدرتمند باشیم که دشمنان این مرز و بوم هیچگاه نتوانند به طور جدی از ابزار اقتصاد علیه ما استفاده نمایند. به همین جهت ما نیازمند آن هستیم که در گام اول نقاط قوت و ضعف خود را بهتر از گذشته بشناسیم. براساس شناخت این فرصتها یا تهدیدهایی که از طرف دشمن یا در فضای پیرامون ما بطور بالقوه یا بالفعل وجود دارد، بتوانیم سیاستهایی را

پیشنهاد دهیم یا اگر این پیشنهادها را سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده‌ایم بتوانیم با جدیت بیشتری روی آن مطالعه کنیم و از دولتمردانی که در رأس سیاست کشور قرار می‌گیرند، بخواهیم این سیاستها را با قوت بیشتری دنبال کنند و روی نقاط قوتی که در درون کشورمان، هم به لحاظ اقتصادی و هم به لحاظ غیراقتصادی وجود دارد، بیشتر متمرکز شوند.

به اعتقاد من، اقتصاد مقاومتی تنها یک مقوله اقتصادی نیست، بلکه مقوله‌ای سیاسی و فرهنگی هم هست، کما اینکه کلیت مسائل جامعه هم خارج از این ابعاد نیست. کسی که بخواهد مسائل جامعه را یک‌بعدی نگاه کند، در حل مسائل آن زیاد موفق نخواهد بود. بلکه باید با نگاهی سیستمی و هدفمند و با توجه به ابعاد مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به چاره‌جویی مشکلات و مسائل جامعه پردازد.

با این نگاه، ابتدا به مهمترین نقاط قوت کشور به‌طور گذرا اشاره خواهم داشت. مهمترین نقطه قوت ما این است که هم به لحاظ ایرانی و هم به لحاظ اسلامی دارای فرهنگی غنی هستیم. این فرهنگ را باید بتوانیم هر چه بیشتر در نسلهای جدید خودمان نهادینه کنیم. از دیگر نقاط قوت ما داشتن سرزمینی پهناور است که دارای منابع متعدد خدادادی است که هر کشوری اگر یکی از آنها را داشته باشد، می‌تواند در دنیا سهم معقول خود را از قدرت جهانی در اختیار بگیرد. نقطه قوت دیگر ما این است که ما در سرزمینی زندگی می‌کنیم که به لحاظ جغرافیایی و سیاسی در موقعیت بسیار ممتاز ژئوپلیتیکی قرار دارد. ما هم به آبهای بین‌المللی دسترسی داریم هم به سرزمینهای متعدد پیرامون خود. بسیاری از این کشورها اگر بخواهند با هم مراداتی داشته باشند باید از طریق سرزمین ما این کار را انجام دهند. تجربه تاریخی هم نشان داده که یکی از برتری‌هایی که موجب شده به ایران طمع ورزیده شود، همین موقعیت سیاسی و جغرافیایی ایران است.

نقطه قوت مهم دیگر ما این است که از لحاظ جمعیتی، هرم جمعیتی ما جزء جمعیت‌های جوان جهان محسوب می‌شود و این یک پتانسیل قوی برای ما ایجاد می‌کند تا بتوانیم از این پتانسیل به نحو شایسته‌ای استفاده کنیم.

از دیگر نقاط قوت ما این است که جوانان ما انگیزه تلاش برای مملکت را دارند. در هر حوزه‌ای که به آنها میدان داده شده، انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی را جوانان این مرزو بوم به سرانجام رسانده‌اند. در عرصه‌های مختلف علمی در سالیان اخیر این جوانان دانشمند کشور بوده‌اند که توانسته‌اند گام‌های مؤثری بردارند.

نقطه قوت دیگر ما، دارا بودن بازار داخلی بزرگ است که علاوه بر بازارهای پیرامون کشور، حدود ۸۰ میلیون نفر جمعیت کشور را پوشش می‌دهد که اگر فرصت‌شناسی کنیم، می‌توانیم بازارهای پیرامون خود را نیز متعلق به خود کنیم. شاید نزدیک به ۳۰۰ یا ۴۰۰ میلیون جمعیت هستند که بصورت سنتی جزء بازارهای ما محسوب می‌شوند.

از دیگر نقاط قوت ما، وجود رهبری هوشمند، دقیق و تیزبین است که به عنوان یک استراتژیست برتر در جهان، همه مسائل را رصد می‌کند و با آینده‌نگری لازم نقشه راه آینده کشور را به طور دقیق، به موقع و هوشمندانه به ملت خود اعلام می‌کند.

نقطه قوت دیگر این است که در هم‌آوردی سیاسی و نظامی با دشمن به مرحله‌ای رسیده‌ایم که هرگونه تصمیم‌گیری برای انجام هر نوع تحرکی علیه ملت ایران را برای آنها سخت کرده است.

البته نباید از این نکته غافل بود که در کنار این نقاط قوت، نقاط ضعف مهمی هم در کشور وجود دارد که چه بسا وجود این نقاط ضعف باعث شده است که نتوانیم آن‌گونه که باید و شاید از همه نقاط قوت و توانمندی‌های خود استفاده بهینه را به عمل آوریم. اولین نقطه ضعف ما که باید با شرم از آن یاد کرد، عدم رسوخ کافی

آموزه‌های اسلامی خصوصاً در حوزه اقتصاد در سطوح مختلف جامعه است. فرهنگ اسلامی در ارتباط با اقتصاد، آموزه‌های فراوانی دارد که اگر این آموزه‌ها را دستمایه حرکت خود قرار دهیم، باید انتظار وقوع انقلابی اقتصادی را در جامعه داشته باشیم. نبود چنین انقلابی در کشور، به این مفهوم است که ما به آموزه‌های اقتصادی اسلام بهای چندانی نداده‌ایم و چه بسا بر خلاف آنها عمل کرده‌ایم.

دیگر نقطه ضعف ما، وابستگی شدید کشور به خارج از کشور در زمینه کالاهای حیاتی و استراتژیک است. با اینکه در سالهای اخیر، تلاش‌های زیادی شده است که از این نظر به خارج از کشور وابسته نباشیم، اما متأسفانه همچنان در تأمین این نیازهای اساسی به خارج از کشور وابسته‌ایم. به عنوان مثال، اقلامی مثل برنج، ذرت، قند، شکر، گوشت، روغن و نظایر آن هنوز جزء واردات ما هستند. البته می‌پذیرم که مفهوم استقلال و خودکفایی این نیست که همه چیز را درون جامعه خود تولید کنیم، این کار نه مطلوب است و نه ممکن. از این رو، باید ظرفیتهای خود را به خوبی بشناسیم و متناسب با توانمندیها و مزایای خود، سرمایه خود را بکار گیریم. اما پذیرفتنی نیست که در نیازهای اساسی کشور، همچنان به بیگانگان وابسته باشیم تا هر زمان که خواستند، بتوانند از آن زاویه ما را تحت فشار قرار دهند، خصوصاً اینکه در این زمینه‌ها، توانمندیهای کافی در کشور وجود دارد. مثلاً ما در برخی سالها صادرکننده گندم بودیم اما هنوز وضعیت متزلزلی داریم. این وضع در مورد برنج که غذای اصلی مردم است نیز وجود دارد. در نوسانات قیمت این نوع کالاهای، متأسفانه همچنان خانوارهای ما بیشترین آسیب را می‌بینند.

در زمینه صنعت نیز همین گونه است. عمده کالاهای ما واسطه‌ای است. یعنی صنعت ما به کالاهای وارداتی وابسته است تا بتواند تولید کند. در واقع، تولیدات داخلی ما هم به نوعی وابسته به کالاهای خارجی است. نقطه ضعف دیگر ما این است که در بسیاری از صنایع از لحاظ تکنولوژیکی به کشورهای متخاصم خودمان

وابستگی شدید داریم. هر چند در برخی زمینه‌ها توانسته‌ایم این ضعف را جبران کنیم اما متأسفانه در بسیاری از زمینه‌ها همچنان به تکنولوژیهای وارداتی وابسته هستیم.

نقطه ضعف دیگر ما که متأسفانه در دوره‌هایی دولتمردان و زمامداران ما به آن دامن زده‌اند این است که به ساختارهای متمرکز سیاسی و اقتصادی بین‌المللی متکی و وابسته شده‌ایم، بگونه‌ای که سعی می‌کردیم در مواقعی نسخه‌های عملیاتی آنها را در کشور اجرا کنیم که نوعاً درست هم اجرا نمی‌شد و لذا تبعات منفی شدیدی برای کشور داشت. به عنوان مثال، مدلی بنام خصوصی‌سازی که در دنیا در اواخر قرن بیستم مطرح شد، ایران جزء کشورهای بود که تصمیم داشت این مدل را در کشور اجرا کند که متأسفانه به شکل بدی هم اجرا شد. البته اگر هم خوب اجرا می‌شد معلوم نبود سیاستهای خصوصی‌سازی پیشنهادی سازمانهای بین‌المللی چقدر برای اقتصاد ملی ما می‌توانست مفید باشد. نتیجه اجرای چنین سیاستی این شد که شکاف طبقاتی شدیدتری در جامعه ایجاد شد و مفساد اقتصادی در جامعه رشد زیادی کرد، رانت‌خواری در جامعه گسترش یافت و سرمایه اجتماعی ما که مردم و اعتماد آنها به مسئولین است در دوره‌ای از زمان تا حد زیادی آسیب دید.

درست است که باید با دنیا تعامل داشته باشیم اما این تعامل می‌بایست براساس آموزه‌های ما و آنچه که منفعت ما در آن است، باشد. حضور نداشتن ما در مجامع بین‌المللی قطعاً در بسیاری از موارد به زیان ما بوده و خواهد بود و اگر بخواهیم چنین رویه‌ای را دنبال نماییم، این زیان بیشتر خواهد شد، اما تعامل با جهان به هیچ وجه به این معنی نیست باید با سازوکارهای آنها زندگی کنیم. تب جهانی شدن که در دوره‌ای در دنیا رواج یافت، جز وابستگی بیشتر کشورها به ساختارهای جهانی هدفی را دنبال نمی‌کرد. در درون کشور، کم نبودند افرادی که صرفنظر از همه سوابقی که داشتند می‌خواستند کشور را به سرعت به سمت جهانی شدن هدایت کنند و اگر

کسی می گفت که این نحوه حرکت درست نیست، به او می گفتند که شما از تحولات جهانی عقب هستید و می خواهید کشور را در انزوا نگهدارید. بنابراین یکی از مشکلات و نقاط ضعف ما این است که متأسفانه در مواردی ما را مجبور کرده اند که با قواعد آنها حرکت کنیم.

از دیگر نقاط ضعف ما، وابستگی شدید کشور به درآمدهای نفتی است که اگر درست مدیریت بشود، می تواند نقطه قوت ما باشد اما در هر صورت همچنان از نقاط ضعف ماست. این مشکل بطور تاریخی به عنوان یک بیماری مزمن در اقتصاد ما مطرح است.

باز یکی دیگر از نقاط ضعف مهم ما این است که از دیپلماسی تجاری و اقتصادی در دنیا خیلی بهره نمی بریم. برای تعامل اقتصادی و تجاری با کشورهای مختلف دنیا، مهندسی مناسبی طراحی نکرده ایم. در سال ۱۳۸۸ بیش از ۷۵٪ واردات کشور ما از ۱۱ مبدأ انجام می شد که ۷ مبدأ آن کشورهای اروپایی و وابسته به غرب بودند. یعنی همچنان بزرگترین شرکای تجاری ما همان کشورهایی هستند که دشمنان ما محسوب می شوند.

آخرین نقطه ضعف، وجود آسیب های ریشه دار درونی در اقتصاد ما است که کمتر برای رفع آنها اقدام عملی و جدی صورت گرفته است. به عنوان مثال می توان از فقدان شفافیت در فعالیت فعالان اقتصادی کشور نام برد. ما نتوانستیم سازوکاری را در سیستم اقتصادی خودمان طراحی کنیم که هر گونه فعالیت اقتصادی افراد، بنگاه ها و دولت از شفافیت کافی برخوردار باشد و پنهان کاری صورت نگیرد. به عنوان مثالی دیگر می توان به مسأله مالیات ها در کشور اشاره داشت که هنوز اطلاعات دقیقی از وضعیت درآمد افراد جامعه وجود ندارد تا معلوم شود چه کسی چه مقدار درآمد دارد و چقدر باید مالیات بپردازد. در زمینه گمرک هم وضع چنین است. چندی پیش گزارشی در تلویزیون در همین رابطه پخش شد که در آن یکی

از مسئولین گمرک معترف بود که هنوز در رده‌های مدیریت سازمان گمرک ما، افرادی وجود دارند که با گرفتن مبالغی، می‌توانند حقوق ملت را از ناحیه گمرک پایمال کنند.

از جمله مسائل ما این است که انضباط مالی لازم را در ابعاد مختلف جامعه نداشته‌ایم. در گذشته چنین بوده است که نبود انضباط مالی و خرج کردن بی‌رویه و بی‌حساب و کتاب در پروژه‌های مختلف و تزریق پول در پروژه‌های مختلف، همواره زمینه فرصت‌طلبی را برای عده‌ای فراهم می‌کرد که بجای اینکه جیب ملت را پر کنند، بتوانند جیب خود را پر کنند. در همین رابطه، نبود سیستم کارآمد پولی و بانکی در کشور مطرح می‌شود. علی‌رغم اینکه منابع مالی زیادی در کشور داریم، یکی از مشکلاتی که از اول انقلاب در جامعه مطرح بوده است و همچنان نیز مطرح است، نقدینگی فراوانی است که در جامعه وجود دارد که خود یکی از عوامل جدی تورم و ناکارآمدی دولت‌ها در سالیان گذشته بوده است. وجود چنین مسئله‌ای نشان می‌دهد که ما نتوانسته‌ایم این نقدینگی را متناسب با تولید ملی کشور مدیریت کنیم. از طرف دیگر، روشی که در جامعه و بانکها و سیستمهای پولی و مالی کشور برای مدیریت این منابع در پیش گرفته‌ایم، نمی‌تواند سرمایه‌های مردم را در جهت تحقق اهداف اقتصادی کشور بخوبی بسیج کند. اگر یکی از ارکان توجه به تولید در سطح کلان جامعه، تأمین مالی پروژه‌های مختلف تولیدی است، این تأمین مالی توسط چه سازمانی در جامعه انجام می‌شود؟ چرا همچون گذشته، هم اکنون نیز یکی از مشکلات اساسی تولیدکنندگان ما، کمبود نقدینگی است؟ معلوم می‌شود که سیستم پولی و مالی ما از این نظر ضعیف است که نمی‌تواند منابع محدود پولی کشور را به سمت عرصه‌های مختلف و مناسب تولید هدایت کند. همین مسئله موجب گسترش و پایداری بازارهای غیرمولدی همچون بازار ارز، سکه و طلا در اقتصاد کشور شده است. بازارهای غیرمولدی که جز دامن زدن به دلالت‌بازی و سفته‌بازی و ایجاد فشار

تورمی در جامعه و عمق بخشی به رکود اقتصادی، سود دیگری برای کشور نداشته و ندارد.

مجموعه این عوامل، نقطه ضعف جدی دیگری را در جامعه موجب شده است که عبارت است از تضعیف اعتماد ملی نسبت به افرادی که سکان هدایت کشور را برای مدتی بدست می گیرند. وجود این مشکل به گونه ای است که علی رغم همه تلاش هایی که مسئولین مختلف با گرایش های سیاسی متفاوت در این سالها در مسند قدرت انجام داده اند و بسیاری از آنها نیز بدون شک دغدغه مردم را داشته اند، اما متأسفانه وجود این شکاف را نمی توان انکار کرد. این پرسش همیشگی مردم است که مشکلات اقتصادی ما چه زمانی تمام می شود؟

این ها مجموعه ای از نقاط ضعف و قوت ماست که می بایست آنها را شناسایی کنیم تا بتوانیم برای آینده تصمیم گیری های مناسبی انجام دهیم. بر همین اساس، برای برون رفت از وضعیت اقتصادی حاضر کشور می توان مجموعه ای از سیاست ها و راهکارها را مطرح کرد که کم و بیش مورد اتفاق بسیاری از صاحب نظران کشور هستند. ذیلاً به مهمترین این سیاستها و راهکارها که می توان به تناسب از آنها در کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت استفاده کرد، به اجمال اشاره خواهد شد.

نخستین و مهمترین سیاست برای هدایت کشور تلاش جدی و از روی اعتقاد برای اسلامی کردن اقتصاد کشور است. مسلماً استفاده از الگویی مبتنی بر آموزه های اسلامی در عرصه اقتصادی کشور بسیار راهگشاست و استفاده از نظرات کارشناسی علمای دینی و صاحب نظران اقتصاد اسلامی بر روند اقتصاد مقاومتی تأثیر بسیار مطلوبی خواهد گذاشت. زیرا چنین الگویی هم مبتنی بر معیارهای اسلامی است که هدفی جز تحقق و بسط عدالت و پیشرفت را در جامعه دنبال نمی کنند و هم هماهنگ با فرهنگ عمومی جامعه است که می تواند برای مجریان امور بسیار کمک کننده باشد. تبیین، تدوین و گسترش آموزه های اقتصادی اسلام در مراکز

علمی و در سطوح مختلف تصمیم‌گیری کشور و نیز در سطح عموم جامعه اولین گام در این زمینه است.

سیاست دیگری که به طور جدی باید مورد توجه قرار گیرد این است که در فرآیند اجرای اقتصاد مقاومتی نباید به اقدامات شعاری و صرفاً کوتاه‌مدت بسنده کرد. زیرا اگر اقتصاد مقاومتی را در تقابل با اقدامات خصمانه دشمن علیه انقلاب اسلامی و مردم وفادار به آن ارزیابی کنیم، باید به این نکته توجه داشت که همچنان که تجربه نیز نشان داده است، اقدامات اقتصادی دشمن جهت‌گیری بلندمدت دارد. از این رو باید جامعه را برای یک رویارویی بلندمدت اقتصادی با استکبار جهانی آماده کرد. القای این که همه چیز عادی است و هیچ تهدیدی از طرف دشمن وجود ندارد، شاید به عنوان یک خط تبلیغاتی تا حدودی قابل فهم باشد، اما اصرار بی‌رویه بر این مسأله می‌تواند موجب غفلت مردم و مسئولان در مواجهه با شرایط نبرد اقتصادی شود. اگر چه ما از اول انقلاب همیشه در شرایط تحریم اقتصادی قرار داشته‌ایم اما واقعیت این است که تحریم اخیر با تحریم‌های ۳۴ ساله گذشته بسیار تفاوت دارد. از این رو به منظور توفیق بیشتر در این نبرد تمام عیار اقتصادی باید برنامه‌ریزی‌های همه‌جانبه‌ای را برای کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت انجام داد.

همچنان که در جلسه پیشین درباره مفهوم‌شناسی اقتصاد مقاومتی خاطر نشان شد، خصلت مردمی بودن را باید یکی از ویژگی‌های برجسته اقتصاد مقاومتی دانست. بر این اساس و در راستای سیاست پیشین، باید یکی از اصلی‌ترین سیاست‌های رویکرد اقتصاد مقاومتی در اداره جامعه را سیاست مردمی بودن برشمرد. به همین دلیل در اقتصاد مقاومتی باید بخش خصوصی را بازیگر اصلی به حساب آورد و سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی را به طور جدی به مرحله اجرا درآورد و از اجرای نیم‌بند و ناقص آن پرهیز نمود. همچنان که رهبر معظم انقلاب در تشریح و تبیین ابعاد مختلف اقتصاد مقاومتی خطاب به مسئولان یادآوری کردند: «بخش خصوصی را باید کمک

کرد. اینکه ما «اقتصاد مقاومتی» را مطرح کردیم خود اقتصاد مقاومتی شرایطی دارد، ارکانی دارد؛ یکی از بخش‌هایش همین تکیه به مردم است. همین سیاست‌های اصل ۴۴ با تأکید و اهتمام و دقت و وسواس هر چه بیشتر باید دنبال شود؛ این جزو کارهای اساسی شماست.»

در تبیین ضرورت اتخاذ چنین سیاستی که مورد تأکید جدی مقام معظم رهبری نیز قرار دارد، باید این نکته تاریخی را که میراث رهبری هوشیارانه دینی امام خمینی^(ره) در طول انقلاب و پس از آن است، یادآوری کرد که مردم اصلی‌ترین سرمایه نظام اسلامی بوده و هستند. نظام ما در طول سال‌های گذشته در عرصه‌های سیاسی و نظامی توانسته است با استفاده از این ظرفیت، بسیاری از مسائل و مشکلات را حل کند و گردنه‌های بسیار خطرناکی را با موفقیت پشت سر بگذارد. اما باید اعتراف کرد که متأسفانه در عرصه اقتصاد هنوز آن‌گونه که باید، از ظرفیت مردم برای تولید و رشد کشور استفاده نشده است. بنا بر اندیشه رهبر معظم انقلاب یکی از مهمترین علل وجود مشکلات اقتصادی کشور، شناختن ظرفیت مردمی اقتصاد کشور و عدم استفاده از آن است. در صورتی که بتوان اقتصاد کشور را بر پایه مشارکت حداکثری مردم و براساس اعتقادات اسلامی آنان شکل داد، آن‌گاه باید انتظار داشت که اقتصاد کشور از حیث مقابله با تهدیدهای اقتصادی دشمن و اثرپذیری از آنها تا حد زیادی کامیاب خواهد بود و دشمن را در این جنگ نابرابر نیز همچون جنگ تحمیلی با شکست مواجه خواهد کرد.

هر گونه اتخاذ تصمیم در اداره جامعه آنگاه قرین موفقیت خواهد بود که متکی بر علم و دانش باشد. ما در زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که علم و دانش یکی از اصلی‌ترین عوامل تعیین‌کننده خلق ارزش اقتصادی است. دانش سرمایه‌ای پایان‌ناپذیر و متکی به انسان است. همچنان که انسان اصلی‌ترین و پایدارترین دارایی هر کشور است، دانش نیز اصلی‌ترین و پایدارترین دارایی آن کشور را تشکیل

می‌دهد. پایداری دانش ناشی از این واقعیت است که دانش نوعی دارایی است که با مصرف بیشتر، رویش بیشتری را از خویش بروز می‌دهد. لذا اگر اقتصاد کشوری بر پایه دانش شکل گیرد، اولاً این امکان را فراهم می‌سازد که اقتصاد از رویش مستمری برخوردار شود و ثانیاً از حیات پایدار و مستقلی بهره‌مند خواهد بود که ضمن ایجاد رفاه توأم با عدالت برای آحاد جامعه و نسل‌های آینده توان مقابله و مقاومت در مقابل دشمن را به شدت فزونی خواهد بخشید. بنابراین، پی‌ریزی یک اقتصاد دانش‌بنیان برای کشور باید یکی از سیاست‌های اساسی اقتصاد مقاومتی تلقی شود.

تا زمانی که جامعه برای تأمین نیازهای خود به بیگانگان و خصوصاً دشمنان خود وابسته است، سخن از مقاومت در برابر زیاده‌خواهی‌های دشمن تنها ارزش یک شوخی را خواهد داشت. گسترش فرهنگ کار و تولید کالاها براساس توانمندی‌های داخلی و تلاش در جهت بالا بردن استانداردهای تولید سکوی پرش هر اقتصادی است. تدوین نقشه‌ای جامع برای بهبود فضای کسب و کار در کشور همگام با ارتقای مستمر کیفی و کمی تولید ملی در کنار توجه به ارتقای دانش فنی و افزایش توان بومی‌سازی فناوری‌های نوین می‌تواند به خودکفایی کشور در محصولات استراتژیک منتهی شود و توان مقاومتی واقعی را برای اقتصاد ملی به ارمغان آورد. بنابراین، یکی از سیاست‌های کلیدی اقتصاد مقاومتی، سیاست تولید محوری است.

براساس این سیاست، باید به پی‌ریزی اقتصادی درون‌زا و متمرکز بر زنجیره‌های تولید داخلی و البته در تعامل با کشورهای غیرمتخاصم دنیا که اکثریت را تشکیل می‌دهند، همت گماشت. زیرا کشور ما از یک سو، از حیث منابع اولیه تولیدی، معادن و سرمایه‌های طبیعی غنی است و از سوی دیگر از حیث بازار مصرف هم با وجود جمعیت حدود هشتاد میلیونی کاملاً مستعد بازاری بزرگ برای شکل‌گیری تولید بصره و اقتصادی است. لذا رونق دادن اقتصادی که چه از نظر منابع اولیه و چه

از نظر بازار مصرف به خارج وابسته نباشد، امری شدنی و مطلوب است. وجود چنین شرایطی در کشور باید موجب آن شود که بر نوعی از صنایع تولیدی تمرکز کنیم که با رونق آنها ده‌ها صنعت دیگر نیز به حرکت در خواهد آمد و رونق پیدا خواهد کرد. صنایعی مانند مسکن، نفت و گاز و خودرو، مثال‌هایی از این گونه صنایع هستند. البته نباید از این نکته غفلت کرد که هر چند به طور طبیعی و سنتی همیشه این امکان برای ما فراهم بوده است که بازارهای هدف خود را شناسایی و مورد بهره‌برداری قرار دهیم اما متأسفانه در این زمینه نیز کند عمل کرده‌ایم.

به عنوان مکمل سیاست اقتصادی تولید محور در کشور باید به سیاست اصلاح الگوی مصرف نیز به گونه‌ای واقعی، غیرشعاری و مستمر توجه ویژه داشت. سیاست پرهیز از اسراف و تبذیر در کنار تشویق مردم به استفاده از کالاهای ایرانی و پرهیز از مصرف کالاهای غیرضروری خارجی باید مورد توجه مردم و مسئولان کشور قرار گیرد. تبلیغ کالاهای خارجی تأثیر زیادی بر روند فرهنگ‌سازی مصرف در کشور دارد. لذا کاهش تبلیغات کالاهای خارجی از دیگر مواردی است که باید در روند اقتصاد مقاومتی مورد توجه قرار گیرد. نبود همت کافی در فرهنگ‌سازی برای استفاده از کالاهای داخلی توسط مسئولان اقتصادی یکی از چالش‌های اقتصاد مقاومتی است که می‌تواند ما را ناکام بگذارد. توجه به کیفیت در تولیدات داخلی می‌تواند ابزاری مهم و مؤثر در اصلاح الگوی مصرف و حمایت از تولید ایرانی باشد.

یک اقتصاد بسته، فاقد توانمندی کافی برای ادامه حیات خواهد بود، از این‌رو، توجه به توسعه صادرات و کاهش واردات خصوصاً در ارتباط با کشورهای متخاصم را باید مکمل سیاست‌های پیشین دانست. اقتصاد مقاومتی ما باید صادرات‌گرا باشد. زیرا صادرات محصولات با کیفیت ایرانی، ظرفیت کسب درآمد خارجی و افزایش سرمایه‌های ملی را به همراه دارد و از اتکای آسیب‌پذیر اقتصاد کشور به درآمدهای

نفتی خواهد کاست و ما را از فروش خام سرمایه‌ها و دارایی‌های خود بی‌نیاز خواهد کرد. اقتصاد صادرات‌گرا می‌تواند امکان رقابت اقتصادی در دنیا را برای ما فراهم آورد و ما را در سطح اقتصادهای برتر و قدرتمند منطقه و جهان بنشانند.

هیچ برنامه‌ریزی دقیق اقتصادی بدون تأمین منابع مالی لازم و مطمئن به بار نخواهد نشست. در کشور ما که عمده منابع مالی در اختیار نظام بانکی کشور است، توجه به بانک‌های کشور و نظارت مستمر بر آنها و اصلاح سازوکارهای عملیاتی آنها اهمیتی ویژه دارد. خصوصاً که عملکرد آنها در سالیان گذشته نشان داده است که این سیستم بیمار است. وجود تخلفات مالی متعدد و چند هزار میلیاردی در بانک‌های کشور به تنهایی دلیلی کافی برای اتخاذ سیاست اصلاح نظام بانکی کشور است.

یکی از اساسی‌ترین کارهای لازم در اقتصاد مقاومتی در بعد جهانی و منطقه‌ای فراهم آوردن ساختارها و سازوکارهایی است که کشور را از زورگویی‌های سیستم حاکم بر جهان و نهادهای در خدمت استکبار در امان نگه دارد. اتخاذ سیاست گسترش پیمان‌های دوجانبه با کشورهای همراه و همسو را می‌توان جایگزین پیوستن به پیمان‌های جهانی نمود. باید در معاملات تجاری خود با جهان خارج هر چه سریع‌تر به سمت استفاده از پول‌های کشورهای دو طرف حرکت کرد. این سیاست به تدریج می‌تواند محوریت دلار را در اقتصاد دنیا با تهدیدی جدی مواجه سازد و در عین حال آسیب‌پذیری اقتصاد ملی ما از نوسانات نرخ دلار را مهار نماید. همچنین تأسیس مؤسسات مالی معتبر بزرگ، بیمه‌های بزرگ در حمایت از صنایع و صادرات کشور، ایجاد شرکت‌های بزرگ حمل و نقل خارجی و مواردی از این دست، می‌تواند موازی با ساختارهای در اختیار غرب ظرفیت‌هایی خوبی را در اختیار ما قرار می‌دهد.

اتخاذ مجموع این سیاستها که مکمل یکدیگر هستند و نیز تلاش برای اجرای جدی و پیگیرانه آنها می‌تواند کشور را از نبرد اقتصادی تحمیلی دنیای استکبار پیروزمند بیرون آورد و بنیانهای لازم را برای جهش اقتصادی عدالت محور اسلامی فراهم کند، همه تهدیدات بالقوه و بالفعل را برای ما به فرصتهایی طلایی و تاریخی تبدیل کند، خیزش بیداری اسلامی را در میان ملت‌های مسلمان عمقی تازه بخشد و ملت‌های مستضعف جهان را امیدوارتر سازد و مسیر گسترش فرهنگ اسلامی را در جهان هموارتر نماید.

دکتر مسعود درخشان

خیلی ممنون هستیم از جناب آقای دکتر عیسوی. در خدمت جناب آقای دکتر دانش جعفری هستیم.

دکتر داود دانش جعفری*

در خلال مدتی که بنده در مورد اقتصاد مقاومتی مطالعه کردم، آنچه فهمیدم این است که اقتصاد مقاومتی، مجموعه تدابیر مدیریتی اقتصادی است که آسیب‌پذیری ما را در برابر ریسکهای متعددی که اقتصاد ایران را تهدید می‌کند، کاهش می‌دهد. اقتصاد مقاومتی بحث نظری جدیدی نیست بلکه بحث مدیریتی جدیدی است که هر کشوری با توجه به وضعیت و مشکلات اقتصادی خود باید اتخاذ کند.

مثال ۱. وقتی که جنگ اعراب و اسرائیل در دهه ۸۰-۷۰ پیش آمد، کشورهای عرب اوپک، آمریکا را تحریم نفتی کردند که باعث شد شوک سنگینی در سالهای بعد به اقتصاد آمریکا وارد شود. همانجا اقتصاد آمریکا تصمیم گرفت کاری کند که آسیب‌پذیری خود را در برابر هر کشوری که ممکن است در آینده آمریکا را تحریم کند، کاهش دهد. راه حل این کار چه بود؟ ایجاد ذخایر استراتژیک نفتی.

مثلاً برای یک سال نفت خریداری کردند و ذخیره کردند که هر وقت بهر دلیلی کمبود نفت پیش آمد بتوانند با استفاده از ذخایر آسیب‌پذیری خود را کاهش دهند. مثال ۲. می‌دانید که ترکیه در حالی در سالهای گذشته با ایران قرارداد خرید گاز منعقد می‌کند که قبل از آن قرارداد بزرگتری را با روسیه بسته بود. وقتی که ترکیه با ایران قرارداد نفتی بست، قیمتی که برای خرید گاز ایران پرداخت به مراتب بیش از قیمتی بود که برای گاز روسیه می‌پرداخت. البته این امر، واکنشهایی را در داخل ترکیه به دنبال داشت اما دولت ترکیه در نهایت قبول کرد که گاز ایران را گرانتر از گاز روسیه بخرد. چرا؟ زیرا اگر عرضه‌کننده گاز به ترکیه تنها یک کشور مثلاً روسیه باشد آنگاه ترکیه انحصار عرضه را دست یک کشور داده است. اینکه از ایران گاز گرانتری را بخرد، آسیب‌پذیری اقتصاد ترکیه را کاهش داده است و همچنین درجه تمرکز واردات از یک کشور بنام روسیه نیز کاهش می‌یابد. کاری که ترکیه کرد، نوعی تدبیر اقتصاد مقاومتی بود. در واقع با واقعیت یافتن واردات گاز از ایران، آسیب‌پذیری اقتصاد خود را در برابر واردات گاز از روسیه کاهش داد. حجت السلام والمسلمین جناب آقای دکتر عیسوی مثالهای زیادی از آسیب‌پذیری‌های کنونی اقتصاد ایران زدند. یعنی اگر می‌خواهیم در آینده دچار مشکل نشویم، نباید همه تخم‌مرغها را در یک بسته متمرکز کنیم زیرا ریسک خود را بالا می‌بریم. هم‌اکنون ۸۰٪ واردات ما از ۳ کشور ترکیه، چین و امارات است. این امر یعنی آسیب‌پذیری. اینکه این کشورها دوست یا دشمن هستند مهم نیست. اقتصاد مقاومتی ایجاب می‌کند که میزان تجارت ما با کشورهای دیگر بگونه‌ای باشد که در نوسانات سیاسی احتمالاً در آینده که بوجود می‌آید، به مشکل جدی برنخوریم. پس تجارت نباید به یک کشور یا چند کشور محدود وابسته شود. باید تجارت خود را با کشورهای دیگر نیز گسترده کنیم تا آسیب‌پذیری اقتصادی ما کاهش یابد.

در وابستگی درآمدهای بودجه به درآمد نفتی، وضع بدتر است. همانطور که در نشست اول عرض کردم، ۶۵٪ درآمدهای دولت از درآمدهای نفتی است. می‌دانید که ریسک درآمد نفتی به چه معنی است؟ اگر روزی قیمت جهانی نفت پایین بیاید و یا درآمدهای اصلاحات نفت به هر دلیل کاهش یابد، چه اتفاقی برای اقتصاد ایران می‌افتد؟ که ۶۵٪ درآمد دولت از محل درآمدهای نفتی تأمین می‌شود؟ و لذا یک شوک انفجاری به اقتصاد وارد می‌شود. یعنی اگر وابستگی به درآمد نفتی را کاهش ندهیم ممکن است در آینده آسیب ببینیم. هم‌اکنون قیمت جهانی نفت بالاست اما ممکن است که تحریم خرید نفتی بوجود بیاید که الان بخشی از آن توسط کشورهای اروپایی اجرا شده است. یعنی بخشی از نفتی که در گذشته از ما می‌خریدند الان دیگر نمی‌خرند. پس ما که ۲/۳ میلیون بشکه صادرات در روز داشتیم در بعضی از ماهها صادرات ما به زیر ۱ میلیون بشکه می‌رسد. بنابراین درآمد نفتی دولت در شرایط اخیر کاهش می‌یابد.

اقتصاد مقاومتی یعنی اینکه همه آسیب‌پذیرهای خود را در حوزه‌های مختلف مالی، پولی، تجاری، ارزی و همه حوزه‌هایی که ریسک ما بالاست و احتمالاً در آینده به اقتصاد ایران شوک وارد کند، کاهش دهیم. الان شاید ۹۰٪ از روغن نباتی کشور از خارج وارد می‌شود. پس اقتصاد ما در این بخش خیلی وابسته است. گوشت قرمز نیز به این نحو است. ممکن است در شرایطی این کار تجویز شود اما اینکه همه اینها را بخواهیم از یک کشور وارد کنیم، احتمالاً در آینده دچار مشکل می‌شویم. بنابراین کاهش ریسکهای متعددی که اقتصاد ایران را تهدید می‌کند در حوزه مقولات اقتصاد مقاومتی است.

به نظر من شناسایی همه اینها امکانپذیر است. مثلاً در حوزه سیاستهای پولی که اشاره شد، یکی از مشکلات اقتصاد ایران این است که نهادهای موجود مثل سیستم بانکی یا بورس، امکان تأمین مالی که مورد نیاز اقتصاد ایران است را ندارند. البته این

امر به این معنی نیست که در این زمینه افراط یا تفریط صورت گرفته است. مثلاً آخرین آماری که در سطح جهانی دیدم، میزان تولید اعتبار توسط سیستم بانکی ایران را ۰/۳۷ تولید ناخالص داخلی ایران ذکر کرده بود در حالی که در برخی کشورها تا ۱۸۰٪ GDP آنها در سیستم بانکی شان تولید اعتبار می شود (نقطه و میزان وام اعطایی بانکها به متقاضیان است). اگر بتوانیم به این سؤال جواب دهیم که چرا سیستم بانکی ما اینقدر ضعیف است که برای متقاضیان می تواند تولید اعتبار کافی کند؟ می توانیم ریسک خود را در زمینه تأمین مالی که در حال حاضر با آن مواجه هستیم، کاهش دهیم.

یکی از تهدیدهایی که در نظام بانکی با آن مواجه هستیم، مسئله بالا بردن معوقات بانکی است. یعنی وام یا تسهیلاتی که سیستم بانکی به متقاضی می دهد به هر دلیلی بازپرداخت نمی شود. در حال حاضر، میزان تسهیلات معوقی که برنگشته در حدود ۷۰ هزار میلیارد تومان است. سیستمهای جهانی می گویند اگر نسبت تسهیلات برگشت داده نشده (معوق) به کل تسهیلاتی که داده شده، بالاتر از ۵٪ باشد بانک وارد ریسک بالا می شود. این نسبت در ایران در بعضی از سالها ممکن است از مرز ۲۰٪ هم عبور کرده باشد. باید برای رفع خطر این ریسکها، راههایی را پیدا کنیم و معوقات را کاهش دهیم. کلیه اشخاصی که بازپرداخت تسهیلات آنها معوق شده، ناتوان نیستند. ۳ گروه هستند که معوقه دارند. یک گروه می گویند که ما به دلیلی در گذشته زمین خوردیم و بنگاهمان دچار مشکل شده و الان امکان بازپرداخت نداریم. راه حل این است که دولت به اینها کمک کند. عده ای دیگر می گویند که ما زمین نخوردیم اما در شرایطی هستیم که فکر می کنیم اگر وامی که گرفته ایم پس بدهیم، معلوم نیست بانک دوباره به ما وام جدید می دهد یا نه؟ پس ترجیح می دهیم وام را نگه داریم و تأخیر و جریمه اش را هم بدهیم که باز به نفع ماست. از طرفی شاید ۴۷ هزار میلیارد تومان از این ۷۰ هزار میلیارد تومان، معوقه های است که مربوط

به بنگاههای دولتی است. یعنی چون سیستم بانکی نمی تواند طلبش را از دولت پس بگیرد. بنابراین می بایست هر کدام از این آسیب شناسی ها را انجام دهیم و راه حل مناسبی برای هر کدام بیابیم تا بتوانیم در جهت تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی حرکت کنیم.

دکتر مسعود درخشان

خیلی ممنون از جناب آقای دکتر دانش جعفری. در فرصت کوتاهی که باقی مانده است اجازه می خواهم نکات خود را به صورت فشرده به استحضار حضار محترم برسانم.

هر بعدی از ابعاد مختلف اقتصاد مقاومتی طبعاً سیاستها و راهکارهای متناسب با خود را دارد. از مقدمات بحث صرف نظر می کنم و به بررسی اجمالی برخی سیاستها و راهکارها صرفاً در یکی از جنبه های اقتصاد مقاومتی یعنی «مردمی بودن» آن می پردازم. می خواهم از بحث خود اینطور نتیجه گیری کنم که رفتار دولت و سیاستهای مناسب دولتی، شرط لازم برای مردمی کردن اقتصاد در فضای اقتصاد مقاومتی است.

چنانکه در نشست قبلی گفته شد، اقتصاد مقاومتی اقتصاد مردمی است زیرا که مقاومت هر نظام اقتصادی در برابر تعرضات و رفتارهای خصمانه خارجی، در نهایت تابعی از مقاومت توده های مردم در برابر فشارها و تنگناهایی است که بر اقتصاد ملی تحمیل می شود. مقاومت های مردمی می بایستی آگاهانه و مبتنی بر شناخت دقیق باشد تا اولاً مستمر باشد و ثانیاً از کارایی کافی برخوردار باشد. کارگران، کشاورزان، کارمندان، کسبه و تجار و دیگر اقشار جامعه همگی می بایستی درک صحیحی از سیاستهای خصمانه اقتصادی علیه نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران داشته باشند و سازوکارهای این رفتار خصمانه را چه از سوی کشورهای خارجی باشد و چه از

سوی نمایندگان آنها در داخل، به درستی بشناسند. بدیهی است در شرایط فعلی، تحریم نفتی کشور و ایجاد اختلالهای جدی در تجارت خارجی جمهوری اسلامی ایران در صدر رفتارهای خصمانه اقتصادی سیاست آمریکا قرار دارد. آگاه‌سازی اقشار مختلف جامعه از این حقایق پایه‌ای و اساسی، وظیفه دولت است که می‌بایستی با استفاده از کارشناسان و صاحب‌نظران دانشگاهی و حوزوی به تدوین برنامه‌های جامع به منظور آگاه‌سازی اقشار و طبقات مختلف اجتماعی اقدام کند و این، اولین وظیفه دولت در مردمی کردن اقتصاد مقاومتی است.

اگر آگاهی شرط لازم برای مقاومت‌های توده‌ای در مقابل رفتارهای خصمانه اقتصادی است، تعلق آحاد جامعه به نظام جمهوری اسلامی ایران شرط کافی برای مقاومت‌سازی بدنه مردمی اقتصاد ملی است. یکی از مصادیق این تعلق، بلکه مهمترین آن، تبلور فرهنگ جهادی در عملکرد کلیه فعالان اقتصادی اعم از کشاورزان، کارگران، صنعتگران، کسبه و تجار، مدیران و سرمایه‌گذاران است. بدون حرکت در بستر جهاد اقتصادی، اقتصاد مقاومتی کارایی لازم در مقابله با تهاجمات اقتصادی خارجی و تحقق اهداف میان‌مدت و بلندمدت اقتصاد ملی را نخواهد داشت.

اما سؤال این است که تبلور فرهنگ جهادی در عملکردهای اقتصادی اقشار مختلف اجتماعی چگونه حاصل می‌شود؟ فراموش نکنیم که محور اصلی در مباحث این نشست، بررسی سیاستها و راهکارهای اقتصاد مقاومتی است. بنابراین می‌بایستی حتی‌المقدور بتوانیم از کلیات به جزئیات و از مفاهیم پایه‌ای به مصادیق و از سیاستهای کلی به برنامه‌های اجرایی نزدیک شویم. بدیهی است پاسخ به سؤالی که مطرح کردیم، نیازمند مطالعات و تحقیقاتی است که می‌بایستی توسط صاحب‌نظران و کارشناسان دانشگاهی و حوزوی پیگیری شود و با همکاری نزدیک دستگاههای دولتی تبدیل به برنامه‌های اجرایی شود. مجدداً ملاحظه می‌شود که ضروری است دولت نقش بسیار فعال و اساسی در این مورد ایفا کند. بنابراین اگر گفته شود اقتصاد

مقاومتی در واقع اقتصاد مردمی است مطلقاً به این معنی نیست که دولت نقشی ندارد، بلکه دولت می‌بایستی نقش بسیار اساسی ایفا کند اما در مسیر صحیح و حساب شده و تعریف شده. بنابراین دولت مقتدر، قانون‌گرا، ناظر و نظارت‌پذیر که وجه مشخصه آن رفتار عقلایی در همه سطوح است از لوازم اصلی، بلکه مهمترین عامل، در تحقق اقتصاد مقاومتی است و این، دومین وظیفه دولت در مردمی کردن اقتصاد مقاومتی است.

مجدداً به سؤال خودمان برمی‌گردیم. چگونه می‌توان فرهنگ جهادی را در عملکردهای اقتصادی همه اقشار اجتماعی متبلور کرد؟ پاسخی که بنده برای این سؤال دارم و البته پاسخ صاحب‌نظران حاضر در این نشست دقیقتر از پاسخ بنده خواهد بود، این است که یکی از راهکارهای ترویج فرهنگ جهادی در عملکردهای اقتصادی، ایجاد امنیت اقتصادی در جامعه است. به نظر بنده، امنیت اقتصادی پشتوانه عدالت اقتصادی است. آحاد جامعه، چه مصرف‌کننده باشند چه تولیدکننده، چه کارگر باشند چه کارفرما، اگر امنیت اقتصادی را به اصطلاح با تمام وجود احساس کنند، آنگاه عدالت اقتصادی را تصدیق می‌کنند. و اگر عدالت اقتصادی را تصدیق کنند آنگاه مدافع نظام اقتصادی و نظام سیاسی خواهند بود زیرا که عدالت، مطلوب هر جامعه است و اقامه قسط و تحقق عدالت از رسالت انبیای الهی است. بنابراین ایجاد امنیت اقتصادی، از الزامات اقتصاد مقاومتی است. اما نکته مهم این است که تحقق همین امر یعنی امنیت اقتصادی برای فعالان اقتصادی نیز در دست دولتهای باکفایت است. در همین جا نیز مجدداً می‌بینیم که نقش دولت در مردمی کردن اقتصاد در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی، نقشی کلیدی است و این، سومین وظیفه دولت در مردمی کردن اقتصاد مقاومتی است.

اما سؤال این است که چگونه می‌توان امنیت فعالان اقتصادی را ایجاد کرد؟ پاسخ این است که از طریق تأمین حقوق فعالان اقتصادی، که این هم از وظایف

دولتهای با کفایت است. به عبارت دیگر، حقوق مصرف کنندگان، حقوق تولید کنندگان، حقوق صاحبان سرمایه، حقوق سرمایه گذاران و در یک کلمه حقوق هر فعال اقتصادی اعم از خانوارها، کشاورزان، کارگران، مدیران و سرمایه گذاران را بایستی بر اساس ضوابط و معیارهای دقیق اسلامی تعریف کرد و سپس حمایت از این حقوق را وظیفه دستگاههای ذیربط دولتی دانست که با اقتدار کامل حق را به ذی حق برسانند. این امر، در واقع بیان دیگری از فرمایش حجت السلام والمسلمین جناب آقای دکتر معصومی نیا است که فرمودند مبارزه با فساد اقتصادی از محورهای اصلی اقتصاد مقاومتی است. ملاحظه می شود که اقتصاد مقاومتی با نظام حقوقی و قضایی پیوند ناگسستنی دارد. بدون دستگاه قضایی کارا، که مبتنی بر موازین شریعت بتواند متکفل حمایت از حقوق فعالان اقتصادی باشد صحبت کردن از اقتصاد مقاومتی بی فایده است زیرا که حقوق روح حاکم بر پیکر اقتصاد است و این، چهارمین وظیفه دولت در مردمی کردن اقتصاد مقاومتی است.

با تدوین و اجرای دقیق و مقتدرانه نظام جامع حقوق فعالان اقتصادی، امنیت اقتصادی بر جامعه حاکم می شود که شرط لازم برای اصلاح و سالم سازی فضای کسب و کار است. نه تنها تدوین این نظام جامع حقوقی مستلزم دقت نظرهای وسیع و عمیق کارشناسی است اجرای آن نیز محتاج نیروی انسانی کارا، توانا و آگاه است. هر دو جنبه، نیازمند مطالعات و دقتهای کارشناسی است که البته محور اساسی در اقتصاد مقاومتی می باشد. تا فضای مصرف و سرمایه گذاری و تولید و تجارت اصلاح نشود و نهادهای ذیربط اعم از بانکها و بیمه ها و سایر نهادهای پولی و مالی در چنین فضای سالمی به نحو کارا فعال نشوند اقتصاد مقاومتی در فرایند رشد و پویایی خود قرار نخواهد گرفت و تقویت این نهادها در تحقق اهدافی که گفته شد پنجمین وظیفه دولت در مردمی کردن اقتصاد مقاومتی است.

از مباحث کوتاهی که به اجمال اشاره کردم این نکته معلوم شد که سیاستها و راهکارهای اقتصاد مقاومتی چگونه ریشه در راهکارها و نوآوریهای در حوزه حقوق و قضاء دارد. اگر این بحثها را بیشتر پیگیری کنیم این نکته نیز معلوم می‌شود که سیاستها و راهکارهای اقتصاد مقاومتی ریشه در نظام مدیریتی و سیاسی جامعه نیز دارد.

آنچه عرض شد صرفاً در خصوص یکی از جنبه‌های اقتصاد مقاومتی یعنی وجه «مردمی بودن» آن بود. می‌توان وجود دیگر اقتصاد مقاومتی را، به شرحی که در نشست قبلی مطرح شد، مانند سیاستهای ارزی، پیوند بخش نفت و گاز به اقتصاد ملی، و نظایر آن در نظر گرفت و برای هر یک، الگوی مناسبی برای سیاستها و راهکارها طراحی کرد. نکته مهم این است که بایستی به نحو دقیقی، همه این الگوهای سیاستی را همزمان به اجرا درآورد که البته روش و دقت نظرهای ویژه خود را می‌طلبد. این همه نشان می‌دهد که مراکز پژوهشی و کانونهای فکری نقش بسیار حساسی را می‌بایستی در الگوسازیها و تدوین سیاستهای بهینه اقتصاد مقاومتی ایفا کنند و چنانکه دیدیم دولت و سیاستهای دولتی شرط لازم برای مردمی کردن اقتصاد مقاومتی است که البته در بستر فرهنگ جهادی شکل می‌گیرد.

پرسشها

۱. بحثهای خوبی مطرح شد اما طرح و برنامه، سیاست و راهکاری ارائه نشد. سؤال این است که با وجودی که بیش از ۳۰ سال است این بحثها را می‌شنویم چرا هیچ وقت اجرا نمی‌شوند؟
۲. همه فرمایشات حضرات ناظر به بررسی مشکلات اقتصاد ایران بود. مگر عنوان جلسه بررسی مشکلات و چالشهای ایران است؟ بررسی مشکلات و چالشهای اقتصاد ایران چه تفاوتی با اقتصاد مقاومتی دارد که مدنظر مقام معظم رهبری است؟
۳. به نظر حضرات و استادان، آیا نگاه راهبردی به موضوع اقتصاد مقاومتی به عنوان یکی از الزامات مهم این ایده، غایب نیست؟ امری که دشمن در تهدیدات و فشارهای اقتصادی خود به خوبی انجام می‌دهد اما ما فقط به بیان مشکلات و چالشهای اقتصاد ایران می‌پردازیم.
۴. آیا توزیع یارانه‌ها به این شکل، به اقتصاد مقاومتی آسیب نمی‌زند؟ فرضاً اگر ما قبل از این کار، سامانه اطلاعات اقتصادی تهیه می‌کردیم تا بدانیم چه افرادی مستحق دریافت وجه نقد هستند و سپس از باقیمانده این ظرفیت، در جهت تأمین زیرساختهای توسعه از جمله بومی‌سازی علم و تکنولوژی روز دنیا و رسیدن به قله‌های علم استفاده می‌شد؟ آیا این نحوه کار به نظرات مقام معظم رهبری نزدیکتر نبود؟
۵. گفته می‌شود باید میزان نفتی بودن بودجه کاهش بیاید ولی هیچ‌گاه راهکاری مطرح نمی‌شود. گاهی اعلام می‌شود باید مالیاتها افزایش یابد ولی چه راهکارهایی برای افزایش مالیاتها وجود دارد در حالی که در کشور ما مردم و افراد مختلف در مقابل مالیات مقاومت می‌کنند، پس

راهکار چیست؟ حتی در دولت و مجلس کاری برای افزایش درآمدهای مالیاتی انجام نمی‌شود.

۶. آنچه هم در این جلسه و هم در جلسه قبل به اشتباه به صورت داده شده فرض می‌شد، «فرهنگ» و «سیاست» بوده است. همه استادان منتظرند که فرهنگ تغییر کند و اسلام و فرهنگ اسلامی به جامعه تزریق شود تا بتوان اقتصاد مقاومتی ایجاد کرد. به عنوان مثال، مرتباً می‌گوییم فرهنگ مصرف باید تغییر کند، ولی هیچ‌گاه انگشت اتهام را به سمت اقتصاددانان خودمان نگرفته‌ایم که مگر ما اقتصاددانان نمی‌توانیم قواعد بازی را طوری قرار تنظیم کنیم که دولتها به تبعیت از تجویزهای ما اقتصاددانان مجبور شده و راضی به اجرای سیاستهای تجویزی باشند (بحث مدیریت انگیزه‌ها). به عبارت دیگر، چرا «نهادهای فرهنگی» را متأثر از همین سیاستهای تجویزی خودمان نمی‌بینیم؟ یا چگونه می‌توان با کشورهای متنوع تجارت داشته باشیم بدون آنکه همگرایی سیاسی ایجاد شده باشد؟ چرا برای همگرایی سیاسی از دید حوزه‌های اقتصادی فکری نمی‌کنیم؟

۷. آیا اقتصاد مقاومتی صرفاً به دنبال راهکاری برای فرار از سقوط است یا اینکه هدف دیگری دنبال می‌کند؟ ارتباط اقتصاد مقاومتی با اقتصاد اسلامی چیست؟ اگر بین این دو ارتباطی هست چرا برای ارائه سیاستها و راهکارها از مبانی اقتصاد اسلامی بهره‌گیری نمی‌شود؟

۸. فرمودند که مقدار صادرات غیرنفتی ما نسبت به اوایل انقلاب افزایش یافته است ولی آیا به این نکته توجه ندارید که همان فرش و پسته‌ای که ۸٪ اعلام شد تقریباً ارزش افزوده خالص داشت ولی همین ۳۰٪ صادرات غیرنفتی ما نیز جزء مواد خام هستند مانند کلوخه‌های معدنی، سیمان و ...

۹. لطفاً توضیح دهید که چگونه با این خوش‌بینی‌های کاذب می‌توان به اقتصاد مقاومتی رسید؟ به عنوان مثال در ژاپن به کودکان خود می‌گویند که اگر روز کار نکنیم، شب شام نداریم ولی در ایران گفته می‌شود که ما دومین کشور دارای ذخایر بزرگ گاز هستیم، ما نفت داریم، معادن طلا داریم، تمدن و فرهنگ داریم و مانند اینها، و لذا به نحوی مطالب القا می‌شود که این کشور به جز دشمنان سیاسی، اساساً مشکلی ندارد.
۱۰. وجود ناهماهنگی‌ها در سیاستهای ارزی و ارائه بخشنامه‌های متعدد ارزی چه تأثیری بر بازار ارز بخصوص مرکز مبادلات دارد؟ علت تعدد بخشنامه‌ها و قوانین ارزی در چیست؟
۱۱. چه تدابیری برای رفع موانع تجاری با ایران اندیشیده شده است؟ آیا اساساً می‌توان اقتصادی را با وجود موانع تجاری فراوان رشد داد؟
۱۲. آیا اقتصاد مقاومتی با مقاومت اقتصاد تفاوتی دارد؟ آیا اقتصاد مقاومتی نیازمند وجود دشمن است یا اینکه می‌توان ترتیبات اقتصادی را به نحوی شکل داد که امکان سوء استفاده قدرتهای اقتصادی وجود نداشته باشد؟
۱۳. مباحث مطرح شده توسط استادان، عموماً ناظر به یک سری مباحث کلی است که در ساختار اقتصاد سیاسی ایران عملاً امکان اجرای آنها وجود ندارد. به عبارتی کم و بیش هر کسی می‌تواند مواردی نظیر تکیه بر بخش خصوصی برای تولید، مدیریت واردات و نظایر آن را به عنوان راهکارهای اقتصاد مقاومتی بیان کند اما مسئله اساسی که بی‌جواب مانده، طریقه رسیدن به این راهبردها با توجه به ساختار اقتصاد ایران و محدودیتهای آن است که قابلیت اجرایی داشته باشد.

حجت‌السلام والمسلمین دکتر عیسوی

یک سؤال این بود که اقتصاد مقاومتی چه ارتباطی با اقتصاد اسلامی دارد. من در صحبت‌هایم عرض کردم که اقتصاد مقاومتی رویکردی راهبردی به مسائل اقتصادی کشور است اما اقتصاد اسلامی یک رویکرد بنیادین به مسائل اقتصادی است. به عبارت دیگر، ما می‌توانیم نگرش‌های خاصی را در حوزه مسائل اقتصادی از اسلام استنباط کنیم، اما اقتصاد مقاومتی می‌خواهد این رویکرد بنیادین را متناسب با شرایط موجود، در جامعه اجرا کند. همانطور که گفته شد بحثهایی که در اقتصاد مقاومتی مطرح است، بیشتر جنبه مدیریتی دارد لذا تصمیم‌گیریها نیز اساساً مدیریتی است. ما مسلمانیم و معتقدیم که همیشه پشتوانه الهی حلال مشکلات است به شرطی که خودمان بخواهیم از آن استفاده کنیم. بنابراین آموزه‌های اقتصاد اسلامی پشتوانه‌ای برای تفکر بیشتر و یافتن راهکارهای مختلف و اتخاذ سیاستهای گوناگون برای غلبه بر مشکلات اقتصادی است که به هر دلیل در جامعه ما وجود دارد.

سؤال بعدی این است که چرا سعی می‌کنید به مشکلات اقتصادی، ابعاد فرهنگی بدهید؟ یکی از مسائلی که نمی‌توان از آن اجتناب کرد، جدا نبودن فرهنگ از اقتصاد است. همچنان که نمی‌توانیم سیاست را از اقتصاد جدا کنیم، نمی‌توانیم اقتصاد را از فرهنگ و سیاست نیز جدا کنیم. یک تعامل پیوسته بین این سه عامل در همه جوامع وجود دارد. بخشی از مسائلی که دوستان مطرح کردند، رنگ فرهنگی داشت بخش عمده‌ای هم جنبه اقتصادی داشت. مثلاً وقتی می‌گوییم که برای رفع وابستگی به نفت باید چکار کنیم، یک وجه این راه حل، فرهنگی است که بالاخره باید مردم را متقاعد کنیم که باید از این مسیر عبور کنیم و مردم بپذیرند که بر داشته‌ها و تولیدات خودمان تکیه کنیم.

برای پیش‌برد سیاست‌های اقتصادی در بسیاری موارد ناچاریم به مسایل فرهنگی توجه نماییم. برای اینکه وجه فرهنگی اقتصاد در جامعه غالب شود، نیازمند

شکل‌دهی ساختارهایی مناسب در جامعه هستیم. مثلاً فرض کنیم اگر بخواهیم فرهنگ استفاده از کالاهای ایرانی در جامعه حاکم شود، دیگر رسانه‌های ما نباید کالاهای خارجی را تبلیغ کنند، نباید فضای تبلیغاتی شهرها و تابلوهای تبلیغات داخل شهرها تبلیغ کالای خارجی باشد. یا به عنوان مثال، نظام گمرکی ما باید به گونه‌ای طراحی شود که ورود کالاهایی که برای زندگی مردم ضروری نیست، گران تمام شود تا مردم تشویق شوند به سمت استفاده از کالاهای داخلی بروند. پس اگر وجه فرهنگی مطرح است به هیچ وجه به مفهوم غفلت از ابعاد دیگر نیست. در واقع تأکید بر این است که اگر برای حل برخی مشکلات به صورت فرهنگی اقدام نشود، اتخاذ برخی تصمیم‌ها به نتیجه نخواهد رسید. مثلاً اگر نتوانیم در جامعه فرهنگ کار و انضباط کار را حاکم کنیم، هر چقدر هم پول به جامعه تزریق شود، نتیجه دلخواه بدست نخواهد آمد. اینها مسائل بهم پیوسته‌ای است که در شرایط اقتصادی حاضر، پررنگتر شده‌اند. توجه به اقتصاد نباید به معنای غفلت از مقوله‌های فرهنگی و سیاسی مرتبط با آن باشد.

دکتر سیدنورانی

از نظر بنده برخی تصمیمات اقتصادی که در این ۳۳ سال در اقتصاد کشور اجرا شده اسلامی نبوده و ما بیشتر دنبال اهداف سیاسی بودیم. چیزی که در کشور ما از نظر اقتصادی اجرا می‌شود معجونی است از اقتصاد سرمایه‌داری و اقتصاد کنترل شده دولتی (متمرکز). در دوران جنگ، اقتصاد ما شبیه سیستم متمرکز و کنترل شده بود. طبیعت جنگ هم اقتصادی این اقتصاد را داشت ولی بعد از آن، سیاستهای اقتصادی که در کشور اجرا شد شبیه سیاستهای اقتصاد آزاد بود. متأسفانه شفافیت در کشور ما وجود ندارد. اینکه مشاور اقتصادی رئیس‌جمهور کیست؟ باید اول هر دوره از ریاست جمهوری، اقتصاددان دوره مشخص شود. باید مشخص شود که سیاستهای

۷۰ دومین نشست تخصصی اقتصاد مقاومتی: سیاستها و راهکارها

اقتصادی، مدل اقتصادی و مکتب اقتصادی کدام است و دولت بگوید ما می‌خواهیم از این روش تبعیت کنیم. من تصورم این بود که در کشور ما این کار می‌بایستی توسط یک مجمعی مثل مجمع تشخیص مصلحت نظام یا شبیه به آن انجام شود. متأسفانه این کار در کشور انجام نشد. برای همین هم سیاستهایی که در کشور اجرا می‌شود یکسری سیاستهای متعارض و متناقض است.

وقتی در یک دوره‌ای، یک اقتصاددان، دولت یا مجلس، جهانی‌سازی را توصیه می‌کنند، آنجا توسعه صادرات و ارتباط با شرکتهای چندملیتی مهم می‌شود، لذا سیاستهای دیگر کنار گذاشته می‌شود. در صورتی که اگر بنا باشد به استقلال دست یابیم، شاید می‌بایست برخلاف سیاستهای جهانی‌سازی اقدام کنیم، مثلاً خودکفایی و متنوع‌سازی اقتصادی را هدف قرار دهیم، یعنی ما خود را محدود نکنیم به اینکه یک کالای خاص را تولید کنیم بلکه چندین کالا را تولید کنیم و خودکفا شویم. نمی‌شود که ما در اول دوره‌ای، در تولید گندم خودکفا باشیم اما در آخر همان دوره چند میلیون تن گندم وارد کنیم. لذا خودکفایی می‌بایست استمرار یابد. بینیم مشکل کشاورز چیست. آیا در قیمت‌گذاری است؟ در این زمینه وزارت جهاد کشاورزی، متعهدانه عمل نمی‌کند. بجای اینکه سیاست خرید تضمینی را ادامه دهد، سیاست قیمت‌گذاری تضمینی را اتخاذ کرده است. یعنی می‌گوید من مثلاً قیمت را ۴۲۰ تومان اعلام می‌کنم در حالی که گندم وقتی با قیمت جهانی وارد می‌شود مثلاً ۱۰۰۰ تومان است. یعنی با دلار ۲۵۵۰ تومانی گندم تنی ۴۰۰ دلار است و گندم را باید کیلویی نزدیک به ۱۰۰۰ تومان بخرند. وقتی از قرار اطلاع قیمت تضمینی برای گندم در سال آینده ۵۵۰ تومان و مبلغ ۱۰۰ تومان پاداش تولید (یعنی جمعاً ۶۵۰ تومان برای هر کیلو گندم در سال ۱۳۹۲) اعلام می‌شود معلوم است که از تولید داخلی در مقابل تولیدکننده خارجی گندم خوب حمایت نمی‌کنند. سیاست‌گذاری اقتصاد مقاومتی در وزارت جهاد کشاورزی می‌بایست در جهت حمایت از تولیدکننده

باشد. کشوری که می‌خواهد مقاومت کند و مستقل بماند، گندم، برنج، جو و سایر اقلام غذایی را باید خود تأمین کند. بنابراین مقاومت اصلی را مردم انجام می‌دهند. اگر گوشت و برنج و روغن مردم با قیمتی مناسب به دستشان نرسد، ناراحت می‌شوند و اگر قرار است ۱۰ سال مقاومت کنند در ۶ ماه اول مقاومتشان تمام می‌شود.

بحثی که اینجا مطرح می‌شود با آنچه در دانشگاه با عنوان اقتصاد آزاد مطرح می‌شود ناسازگار است. در اقتصاد آزاد، تئوری‌هایی مطرح می‌شود که هدفش استقلال کشور نیست یا کشور به این مفهومی که ما می‌گوییم مطرح نیست. مثلاً امارات یک منطقه آزاد می‌خواهد لذا خیلی از شرکتها آنجا می‌روند و سرمایه‌گذاری و تجارت می‌کنند اما کشور ما نمی‌تواند این کار بکند. ما در کشور بخاطر مسائل فرهنگی، نمی‌توانیم خیلی مشاغل را داشته باشیم و بخاطر همین هم بسیاری از افراد تمایلی به سرمایه‌گذاری در کشور ما ندارند. بنابراین سرمایه‌گذاری خارجی به شکلی که در منطقه آزاد و سوم در دنیا انجام می‌شود در کشور ما انجام نمی‌شود.

بنابراین راهکار اولاً در خود کفایی بویژه در بخش کشاورزی و تنوع‌سازی محصولات و تولیدات است و ثانیاً بایستی راهبرد جایگزینی واردات اتخاذ شود. البته ممکن است عده‌ای بگویند این سیاست منسوخ شده است اما جایگزینی واردات برای کشوری که می‌خواهد مستقل باشد و مقاومت کند و ایده‌ها و اهدافش به ثمر بنشیند، مفید است. اما چون اقتصاددانان و مشاوران و مسئولین شفاف نظر نمی‌دهند تا این اهداف سیاسی و فرهنگی ما محقق شود در نتیجه دوپهلویی و چندگانگی را در کشور مشاهده می‌کنیم و نمی‌توانیم مسئولش را پیدا کنیم.

در مورد کنترل مصرف سؤال شد. ما نمی‌توانیم تبلیغات مصرف‌گرایی که در اقتصاد سرمایه‌داری است در اقتصاد مقاومتی اجرا کنیم. همانطور که گفته شد، اگر

سیاستهای کلی اصل ۴۴ درست اجرا شود، مردم سهمشان را از اقتصاد می‌گیرند نه به این شکل که شبه‌دولتی‌ها یا گروهی بیایند مثلاً مخابرات را بخرند بعد قیمت‌ها را تغییر بدهند. در شروع کار، برخی اشکال می‌گیرند، شورای رقابت اشکال می‌گیرد و امثال ما اشکال می‌گیرند اما گوش کسی هم بدهکار نیست و ۲ یا ۳ سال بعد قیمت هر پالس تلفن را بالا می‌برند و بهای خرید را از همین محل از مردم می‌گیرند. این کار خصوصی‌سازی نیست. نهادهای ناظری می‌بایست کنترل کنند. الان هزینه اینترنت بیشتر شده، هزینه تلفن و موبایل بیشتر شده است. قبل از واگذاری مخابرات یک وزیر ارتباطاتی بود که پاسخ دهد اما الان اگر مجلس بخواهد سؤال کند نمی‌تواند از چنین کسی پرسد.

اینکه وقتی صحبت از خصوصی‌سازی می‌کنیم فکر می‌کنیم که اینجا انگلیس و لندن است و می‌خواهند مثل آنجا خصوصی‌سازی کنند. خیر، اینجا ایران است و مخابراتش مهم است. تک‌تک ما در مخابرات سهم داریم. نفری ۵۰۰ هزار تومان برای موبایل ودیعه دادیم، نفری ۵۰ هزار تومان برای خط ثابت ودیعه دادیم و این پولها ودیعه است و بر طبق موازین اسلامی ما طلبکار هستیم و این ودیعه‌ها می‌شد به عنوان سهام به مردم ایران داده شود اما مخابرات این وجوه را نگه داشته است. پس این مورد، از مصادیق بارز درست اجرا نکردن سیاستهای کلی اصل ۴۴ است.

تأمین نیازهای اساسی دولت. الان ما باید بینیم که در انبارها چه داریم؟ ذخایرمان چیست؟ از اینها موجودی بگیریم و نگه داریم که اسراف نکنیم و به موقع و به میزان مناسب مصرف کنیم. سیاست توزیعی کالا مهم است. شما نمی‌توانید مثل حالت عادی رفتار کنید. بگویید بازار تعیین می‌کند و عده‌ای سودجو هم ممکن است احتکار کنند. لذا می‌بایست با این افراد برخورد شود و تمهیدات اجرایی لازم اندیشیده شود.

حجت‌السلام والمسلمین علیزاده

فرمودند راهکاری ارائه نشد. فکر می‌کنم بیش از ۷ سیاست و بیش از ۲۵ راهکار مربوط به اقتصاد مقاومتی را بنده ارائه کردم. تأکید هم کردم که از راهکارها و تجربیات کشورهای مثل آلمان، ویتنام، ژاپن و هند هم به صورت جدی کمک بگیریم. بنابراین برای پرهیز از بیان کلیات یا کلی‌گویی کم‌ثمر، براساس ادبیات اقتصادی به بیان سیاستهای خاص و کاربردی اشاره شد که براساس مبانی نظری ذکر شده در نشست اول می‌باشند.

دکتر دانش جعفری

در مورد راهکارها اشاره می‌کنم. پیشنهاد می‌کنم برای دنبال کردن راهکارها، اقتصاد ایران را به چند بخش تقسیم کنیم. مثل بخش صنعت، خدمات کشاورزی، و سپس بینیم ریسکهایی که در هر کدام از این بخشها، اقتصاد ایران را تهدید می‌کند کدام است. در مرحله بعد برای این ریسکها راه حل بیابیم. اقتصاد ایران را در حوزه‌های سیاستی به بخشهایی تقسیم کنیم. مثل حوزه‌های ارزی، پولی، مالی، تجاری، و سپس ریسکها و راه حلها را بیابیم. در هر صورت، من قبول دارم که در سالهای گذشته، از نظر اقتصادی، سیاست بازی را پیش گرفتیم. ولی از نظر سیاسی رادیکال عمل کردیم. یعنی در سیاست، شعارهای انقلابی دادیم اما در اقتصاد خیلی باز در دنیا حرکت کردیم و با همانهایی که ما را تحریم کردند مبادلات بسیار بالایی انجام دادیم و خود را به آنها وابسته کردیم. این دو شعار با هم سازگار نیست. یعنی ریسک اداره کشور و تقابل سیاست و اقتصاد را بالا برده است.

نسبت موجودی انبار در اقتصاد ایران به تولید ناخالص داخلی بالاست. حد متوسط جهانی موجودی انبار حدود ۲/۳٪ است اما موجودی انبار ایران بعضی از سالها به ۱۷/۲٪ هم رسیده است یعنی غیر از حوزه مصرف خصوصی،

سرمایه‌گذاری، مخارج دولت و خالص صادرات، ۱۷٪ از تولید ناخالص داخلی ما مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. برای کاهش این موجودی انبار چه کنیم؟ در مورد مصرف از بعد کلان، مصرف ما یعنی نسبت مخارج مصرف خصوصی به تولید ناخالص داخلی در اقتصاد ایران بالا نیست. در سال ۱۳۶۹ این نسبت در اقتصاد ایران حدود ۶۲٪ بوده است اما الان به ۴۵٪ کاهش یافته است. در مورد مصرف نکته‌ای که وجود دارد این است که نسبت ۴۵٪ چندان بالا نیست. ما الان همین ۴۵٪ را بیشتر به خارج از کشور وابسته هستیم و اینجاست که تهدید بوجود می‌آید و ریسک بالا می‌رود.

در مورد بحث ارز که دوستان سؤال کردند، جواب می‌دهم که نوساناتی که در ارزش پول ملی صورت گرفته به نظر من یکی از تهدیدهای اقتصاد ایران است و یکی از ریسک‌هایی است که با آن مواجهیم. حوزه‌هایی که می‌توانند ریسک ما را کاهش دهد عبارتند از مقابله با تحریم، مدیریت واردات، مدیریت صادرات، و سیاست‌های پولی و مالی. ارز ایزاری برای تجارت داخلی است. الان در اقتصاد ایران تقاضای ارز به وسیله‌ای برای پس‌انداز تبدیل شده است. اینجاست که مسئولین نمی‌توانند برای آن راهکاری بیابند. یعنی عده‌ای بخاطر اینکه نگران کاهش ارزش ریالی دارایی‌های خود در آینده هستند، دارایی‌های ریالی خود را به دارایی‌های ارزی تبدیل می‌کنند و در خانه نگهداری می‌کنند. این نوع فشارها را، هیچ اقتصادی نمی‌تواند تحمل کند. ما باید این نااطمینانی که در ذهن عده‌ای بوجود آمده و ارز را وسیله پس‌انداز خود کرده‌اند، از بین ببریم. ارز وسیله‌ای برای تجارت است و امسال هم تجارت خارجی ما نسبت به سال گذشته کاهش یافته است نباید آن را ایزاری برای پس‌انداز کنیم. درآمدها هم خیلی کاهش پیدا نکرده اما چه شده که دچار کمبود عرضه ارز شده‌ایم؟ آماري که بانک مرکزی در سال گذشته منتشر کرده نشان می‌دهد که بیش از ۵۰٪ ارزی که بانک مرکزی فروخته، به منظور واردات و

تأمین نیاز ارزی تجارت ما نبوده است. باید با این ریشه‌ها مبارزه کرد تا بتوانیم از این بحران عبور کنیم. در هر صورت برای هر کدام می‌شود بسته‌های راهکار قوی و حساب شده اقتصادی ارائه داد.

حجت السلام والمسلمین دکتر معصومی نیا

جواب سؤال ۱ دو قسمت دارد: ۱- عدم ارائه طرح و برنامه، سیاست و راهکار: برخی از اساتید در نشست راه حل نیز ارائه دادند، اما لازم است بیش از این کار شود. البته تا وقتی در مورد اقتصاد مقاومتی تئوری پردازی مناسبی صورت نپذیرد و مدل‌های جامعی ارائه نشود ارائه راه حل‌های عملیاتی ممکن نخواهد بود. ۲- یکی از علل اصلی عدم اجرا این است که کمابیش مدل‌های وارداتی مبنای عمل بوده و اقتصاد ایران بیشتر یک اقتصاد شبه سرمایه‌داری بوده است. ریشه امر یاد شده عدم اعتقاد بسیاری از برنامه‌ریزان و متولیان به مدل‌های بومی و مدل‌های غیرسرمایه‌داری می‌باشد. اکنون که مشکلات بارزتر شده و ناکامی مدل‌های وارداتی رخ نمایانده است و رهبر معظم مدظله بر طراحی الگوهای اسلامی و بومی تأکید می‌فرمایند، نشانه‌های جدی گرفتن لزوم یک حرکت مبارک به چشم می‌خورد. البته یک آفت بزرگ تهدیدکننده است و آن «لوث شدن» این حرکت می‌باشد. در سال‌های اخیر بسیاری اوقات انجام یک حرکت مد می‌شود که یکی از آفات آن لوث شدن و بی‌ثمر شدن حرکت می‌باشد.

در پاسخ به سؤال ۲ از آنجا که انقلاب اسلامی تنها امید برای ارائه یک الگو در قبال الگوهای الحادی می‌باشد بر همه ما فرض است در مورد موانع دستیابی به یک الگوی موفق فکر نموده و راه حل ارائه دهیم. کشور ما مهد انقلاب اسلامی است و ما در شرایطی بسر می‌بریم که تمامی راه حل‌ها برای بشریت به بن‌بست رسیده است. یکی از لوازم اصلی موفقیت در عرصه اقتصاد استفاده از تجربه کشورهای

است که در شرایط فشار و تحریم یا مشابه آن قرار داشته‌اند و با تدبیر توانسته‌اند تهدیدها را به فرصت تبدیل نمایند.

در پاسخ به سؤال ۳ بیان مشکلات و چالش‌های اقتصاد ایران امری لازم است. تا وقتی درد شناخته نشود پرداختن به درمان سودی ندارد، اما این کافی نیست. برای تحقق اقتصاد مقاومتی دو امر دیگر لازم است: اول اینکه باید تهدیدهای خارجی را هم شناخت. این امر سبب شناسایی نقاط آسیب‌پذیر می‌شود. امر دوم شناخت امکانات و استعدادها و فرصتها می‌باشد. پس از تحقق این امور می‌توان برنامه‌ریزی نظری و بدنبال آن برنامه‌ریزی عملیاتی برای تحقق خارجی اقتصاد مقاومتی را عملی نمود. به این ترتیب هم از آسیبها مصون خواهیم بود و هم می‌توانیم از تمامی ظرفیتهای برای وصول به اهداف بهره‌گیری نماییم. بنابراین اقتصاد مقاومتی را می‌توان ترکیبی از امور یاد شده دانست و نگاه راهبردی به موضوع هم همین است که در تمامی شرایط راهگشا خواهد بود.

در پاسخ به سؤال ۴ پرداخت یارانه نقدی به تمامی مردم پیامدهای مخربی دارد که شاهد آنیم. مشکل اصلی اقتصاد ایران کمبود تولیدات با کیفیت است نه کمبود تقاضا. پرداخت یارانه نقدی به تمامی اقشار از دو ناحیه ضربه می‌زند، از طرفی به منابع لازم برای تقویت بخش تولید آسیب می‌زند و از سوی دیگر تقاضا را افزایش می‌دهد. این امر باعث تشدید رکود تورمی می‌شود، هم قیمتها را افزایش می‌دهد و هم سبب افزایش واردات می‌شود. بنابراین تا حد ممکن باید یارانه‌ها را فقط به افراد نیازمند پرداخت نمود. مشکل اصلی در این مسیر امکان و نحوه شناخت قشرهای نیازمند می‌باشد که کار سختی است. مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «هدفمند کردن یارانه‌ها هم در جهت شکل دادن به اقتصاد ملی است که اینها می‌تواند هم رونق ایجاد کند- در تولید، در اشتغال- و هم موجب رفاه شود؛ اینها مایه رشد تولید

کشور، رشد اقتصادی کشور، مایه اقتدار یک کشور است. با رشد تولید، یک کشور در دنیا اقتدار حقیقی و آبروی بین‌المللی پیدا می‌کند. این کار بایستی به انجام برسد.» در پاسخ به سؤال ۵ راهکار اصلی کاهش وابستگی بودجه به نفت تقویت تولید است. اگر تولید ملی تقویت شود، امکان افزایش مالیات هم فراهم می‌شود. به فرموده امیرالمؤمنین (ع) به مالک: «و لِيَكُنْ نَظْرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَبْلَغَ مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخَرَجِ؛ لِأَنَّ ذَالِكَ لَا يُدْرِكُ إِلَّا بِالْعِمَارَةِ وَ مَنْ طَلَبَ الْخَرَجَ لَغَيْرِ عِمَارَةٍ أَخْرَبَ الْبِلَادَ وَ أَهْلَكَ الْعِبَادَ وَ لَمْ يَسْتَقِمْ أَمْرُهُ إِلَّا قَلِيلًا» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) باید تلاش تو در آباد کردن زمین، بیشتر از جمع آوری خراج (مالیات) باشد؛ زیرا، خراج، جز با آبادانی، فراهم نمی‌شود و هر کسی، بخواهد خراج را بدون آبادانی زمین به دست آورد، شهرها را خراب و بندگان خدا را نابود و حکومتش جز اندک مدتی، دوام نخواهد آورد.

در پاسخ به سؤال ۷ دقتی اندک در آموزه‌های اقتصادی اسلام و وضعیت ایران آشکار می‌سازد که اقتصاد اسلامی کبریات و قواعد کلی را بطور کامل بیان می‌کند و وضعیت کشور ما و رابطه آن با خارج صغریات و مصادیق را مشخص می‌سازد. برای تدوین اقتصاد مقاومتی باید با استفاده از اقتصاد اسلامی برای مسائل خودمان راه حل‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت بیابیم و آنها را به صورت منظومه‌ای منسجم تدوین و ارائه نماییم.

در پاسخ به سؤال ۹ یکی از اشتباهات بزرگ ما همین مطلب است که در این سؤال به آن اشاره شده است.

بخشی از پاورپوینت آقای دکتر قوامی

الزامات اقتصاد مقاومتی

- تحقق اقتصاد مقاومتی و موفقیت الگوی اقتصاد مقاومتی در عمل نیاز به تحقق الزاماتی است که برخی از این الزامات داخلی و برخی منطقه ای و حتی برخی بین المللی است. بنابراین امکان تحقق موفقیت آمیز اقتصاد مقاومتی منوط به رعایت الزامات زیر است:
- مردمی کردن اقتصاد؛ در جنگ تحمیلی هم پاسخ داده است کمک های مردمی دوران جنگ تحمیلی در مقابل هزینه جنگ رقمی نبود ولی هر کمکی در واقع یک رای و متعلق دانستن جنگ بخود بوده است . یکی از راههای

-
- مشارکت مردمی در اقتصاد افزایش سهم بخش تعاون تا ۲۵٪ و اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی است
 - دانش بنیان کردن اقتصاد؛ مثلاً موبایل ۹۷٪ ارزش آن را تکنولوژی و دانش تشکیل میدهد. در حالیکه بخش عمده تولیدات داخلی دانش بنیان نیستند؛ حتی در صنایع دانش بر مثل پتروشیمی ما تولیدکننده کالای واسطه هستیم و خودمان در برخی قطعات و مواد با تکنولوژ بالا وابسته هستیم.
 - تنوع بخشی به صادرات؛ در حال حاضر در حدود ۳۰ درصد صادرات ما را محصولات غیرنفتی تشکیل میدهند. در حل حاضر عمده صادرات کشور را نفت و مشتقات نفتی از جمله میعانات گازی تشکیل می دهد.

- مدیریت واردات؛ واردات رسمی کشور بالای ۷۰ میلیارد دلار بوده و در صورتی که قاچاق را به آن اضافه نمایم در حدود ۹۰ میلیارد دلار کالا و خدمات وارد میشود که این به هیچوجه با اقتصاد مقاومتی سازگاری ندارد.
- تأکید بر تولید داخلی؛ تولید داخلی علاوه بر اینکه بایستی مورد توجه قرار گیرد لازم است در بخش های اثرگذار امکان تولید صفر تا صد کالاها را دارا باشیم. هم اکنون گرچه برخی کالاها، تولید داخلی حساب میشوند ولی در برخی قطعات همچنان وابستگی مشاهده می شود. فلذا بجهت عدم امکان دسترسی به برخی قطعات تکمیلی امکان عرضه آن میسر نمی باشد

-
- اصلاح سبک معیشت؛ سبک زندگی تا به تناسب فرهنگ ایرانی- اسلامی شکل نگیرد راه اندازی یک سبک سازگار با اقتصاد مقاومتی امکان پذیر نخواهد بود.
 - کارآفرینی جامع؛ و توجه به خوشه های صنعتی و مدیریت صحیح در بنگاه های رهبر و پیرو در این زمینه .
 - بومی سازی فناوری؛ بایستی نهضت بومی سازی فناوری شکل گیرد در کنار ابداع و اختراع بایستی نهضت مهندسی معکوس برای بومی سازی فناوری از اهمیت بالا برخوردار شود. ساخت پهباد و... بعنوان نمونه عملی که نشان می دهد امکان تحقق این مسأله وجود دارد. کشور چین عمده موفقیت های صنعتی خود را از این طریق کسب کرده است .

-
- بهبود فضای کسب و کار؛ با تمام تلاشهای صورت گرفته رتبه فعلی ایران در فضای کسب و کار هم اکنون ۱۴۵ است.

- حذف وابستگی به نفت؛ هم اکنون فضای اجباری شکل گرفته برای فروش نفت و جابجایی منابع گرچه فشار زیادی به کشور وارد می کند ولی این می تواند یک فرصت مناسب برای شکل گیری اقتصاد مقاومتی باشد. عبارتی اساسی کشور عدم پیشرفت بخش صنایع به معنی اعم و در گیر شدن کشور با بیماری هلندی در مقاطع مختلف بوده است. اجتناب از این مشکلات با این رویکرد قابل حل است.
 - مدیریت مصرف اقدام عملی به اضافه فرهنگ سازی که بر عهده رسانه ها است. صرفه جویی در مصرف و جلوگیری از اسراف و تبذیر و اتلاف... هم از نظر دینی و هم ملی مطرود است. ولی نگاه به تصمیمات دولتی عمومی و به تبع آن بخش خصوصی عملکرد مصرفانه دارند
-
- ضرورت استفاده حداکثری از زمان، منابع و امکانات کشور؛ بعنوان نمونه بایستی پروژه های ملی در ظرف زمانی خود به اتمام برسند. در حال حاضر حکایت پروژه فیل سفید بر پروژه های عمرانی و ملی کشور صدق می کند در اقتصاد مقاومتی گلنگ زنی های صرفا سیاسی بایستی تعطیل شود اقدامات توجیه اقتصادی داشته باشد.
 - افزایش بهره وری؛ اعم از بهره وری نیروی کار و سرمایه از مصادیق بارز برای نیل به اقتصاد مقاومتی به حساب می آید.

ویژگی های سیستمی اقتصاد مقاومتی

پویا؛ منفعلانه عمل نمی کند در عین حال که به دنبال رفع محدودیت های فعلی است ولی برای رشد در شرایط جدید تلاش می کند. ویژگیهای سیستمی اقتصاد مقاومتی موارد ذیل می باشند:

- درون زا(خودباور)؛ تکیه اصلی اقتصاد مقاومتی به ظرفیتهای داخلی بوده و در جاهایی که نیاز به بیرون دارد ضمن تسهیل طروق دستیابی به دنبال بومی سازی آن است.
- پیشتاز (دارای حرف نو)؛ در قالب صرفاً راههای شناخته شده حرکت نمی کند بلکه راههای میان بر با توجه به تجربه های بشری برای پیشرفت اتخاذ و تا نیل به اهداف در آن مسیر حرکت می کند.
- پیش نگر؛ آینده نگر بوده و با توجه به رصد آینده برنامه های خود را طراحی و پیگیری می کند (سند چشم انداز).
- عرضه محور؛ باید توجه داشت مشکل کشور تقاضا نیست بلکه عرضه است.

محورها و خطوط راهنما برای تدوین سیاستهای اقتصادی کشور به منظور نیل به اهداف اقتصاد مقاومت

به عبارتی برای عملیاتی شدن الگوی اقتصاد مقاومتی سیاستهای اقتصادی کشور براساس چه محورهایی می بایستی تنظیم و پیگیری گردند تا به اقتصاد مقاومتی و اهداف آن دست یابیم؟ با توجه به ویژگیهای اقتصاد مقاومتی می بایستی محورهای اقتصاد مقاومتی بعنوان راهنمای مسیر طراحی و سیاستهای اقتصادی کشور لازم است با توجه به آنها تدوین گردد. مهمترین محورهای اقتصاد مقاومتی به قرار زیر است که نوعاً به تجدید ساختار اقتصادی می پردازند:

- مشارکت حداکثری، فعال و موثر آحاد جامعه در همه ابعاد و سطوح اقتصادی با تأکید بر ارتقای نقش و جایگاه طبقات کم درآمد و متوسط.
 - خوداتکایی در تأمین نیازهای اساسی.
-

بخشی از پاورپوینت حجت الاسلام والمسلمین آقای خادم علیزاده

نکته اول: منظور از سیاست و راهکار

منظور ما از راهکار اخص از سیاست یا راهبرد می باشد
و راهبرد در اصطلاح اقتصادی مترادف با سیاست است.
گرچه برخی راهکار را مترادف با سیاست می گیرند.

نکته دوم: چارچوب سیاست ها و راهکارها

از آنجا که اقتصاد مقاومتی بیشتر جنبه راهبردی برای وضعیت ایستادگی جامعه و
نهادهای اجتماعی آن در برابر یک پدیده ای که بر خلاف منافع ملی و فرهنگی و
دینی آنهاست، پس نوعی مهندسی اقتصاد در شرایط خاص در چارچوب مبانی،
فرهنگ، سنت ها و ارزشهای دینی جامعه لازم است تا راهکارهای اقتصادی
مشخصی ارائه شود.

نکته سوم: ضرورت آسیب شناسی سیاست های پیشین

یک مقدمه لازم برای ارائه سیاست های سازگار با اقتصاد مقاومتی، آسیب شناسی
سیاست های گذشته است و اینکه چه نتایجی داشته اند تا در طراحی و ارائه
راهکارهای جدید، از تجربه های پیشین استفاده کنیم.
البته این راهکارها، الزاماتی دارند که سازگاری با فرهنگ و اقتضائات بومی ما از
مهمترین آنهاست. و سازگاری نهادهای قضایی، اداری، مالی، نظامی و امنیتی را هم
باید به آنها افزود.

برخی از سیاست‌ها و راهکارها

اول: سیاست تولید کالاهای اساسی با تکیه بر منابع داخلی

چون اقتصاد مقاومتی یعنی مهندسی اقتصاد به منظور تخصیص بهینه منابع با تاکید بر منابع و امکانات بومی کشور در شرایط تحریم اقتصادی و تهدیدهای خارجی و چون اقتصاد مقاومتی یعنی تولید با کمترین هزینه بر روی مرز منحنی امکانات تولید بومی و حداکثر سازی تابع رفاه اجتماعی کشور در شرایط تحریم‌ها و تهدیدها در اینصورت:

این سیاست از طریق راهکارهای زیر قابل اجراست.

۱- هدایت بنگاههای تولیدی و خدماتی و بطور کلی صنایع تولیدی و مالی کشور به سوی الگوهای تولید کالا و خدمات که در توابع هزینه خود، نهاده‌های بومی را به منظور تولید کالاهایی بطور نسبی ارزانتر و با مزیت نسبی بالاتر، جانشین نهاده‌ها و کالاهای واسطه‌ای وارداتی کنند.

۲- فرهنگ سازی و هدایت مصرف کنندگان کالاهای نهایی به سوی مصرف کالاهای تولید داخل از طریق ارایه الگوهای مصرفی کارآمد و ارزانتر داخلی و ایجاد ساختاری که بتواند بر رفتار مصرفی جامعه تأثیر بگذارد.

۳- تولید انبوه کالاهای اساسی و کم‌کشش:

از طریق حمایت یارانه‌ای و یا معافیت مالیاتی صنایع داخلی بطوریکه قیمت‌های نسبی به سوی کالای کاملاً بومی تغییر یابد و بر نرخ نهایی جانشینی یا MRS فرد ایرانیان به نفع جانشین کردن کالای کاملاً بومی تأثیر آشکاری داشته باشد. و شعار دادن بدون ایجاد این ساختار در تولید و مصرف، تأثیر عملی ندارد.

۴- قطع یارانه به تولید بیگانگان (دلار ارزان برای واردات کالاهای آنها) و پرداخت آن به تولید داخل

۵- اصلاح و کارآمد کردن نظام مالیاتی کشور:

علاوه بر اصلاح اداری و کاهش آثار ضد توزیعی مالیات ها، در فضای اقتصاد مقاومتی، مالیات بیشتر بر کالاهایی که با اهداف اقتصاد مقاومتی ناسازگارند، یک راهکار کارآمد می باشد. بطور کلی مالیات ستانی بر محور اقتصاد مقاومتی یک اصل می باشد.

۷- راهکار الویت تولید و تامین کالاهای استراتژیک همچون مواد غذایی، دارو، در چارچوب پارادایم تامین نیازهای اساسی مردم.

۸- راهکار اجتناب از اقتصاد دلالی و سوداگری و حرکت به سوی اقتصاد تولید اقتصاد دلالی نه تنها توانایی مقاومت در برابر نوسانات برون زای اقتصادی را ندارد بلکه ضریب آسیب پذیری بالایی نیز دارد لذا با اقتصاد مقاومتی ناسازگار تلقی می شود. اما اقتصاد تولید محور، ضریب ماندگاری و مقاومت بیشتری در شرایط نوسانی تحریم ها دارد.

دوم: سیاست گسترش فرهنگ اقتصاد مقاومتی

گسترش و تعمیق فرهنگ اقتصاد مقاومتی و باورداشت آن از سوی مردم و مسئولان ضامن موفقیت تمام راهکارها و سیاست گذاری ها است. این سیاست از طرق زیر قابل پیگیری است

۱- حاکمیت فرهنگ اقتصاد مقاومت :

۸۶ دومین نشست تخصصی اقتصاد مقاومتی: سیاستها و راهکارها

برای مقاومت و ایستادگی بلند مدت تا رسیدن به اقتدار اقتصادی که زمینه ساز اقتدار سیاسی نیز هست باید نظام آموزش اولیه تا دانشگاهها و حوزه های علمیه جایگاه فرهنگ مقاومت در عرصه اقتصادی و بلکه نظام اجتماعی کشور را باور داشته و تبیین نمایند.

۲- اعتماد به نفس و خودباوری در بین دولتمردان و مردم (دولت ژاپن پس از جنگ ۱۹۴۵ توانست آیین شینتو را محور همبستگی مردم قرار دهد و نوعی اعتماد متقابل بین خود و ملت ایجاد کند).

۳- مهندسی اخلاق اقتصادی

۴- ایجاد فضای قانونی و حقوقی متناسب با محیط اقتصاد مقاومتی
۵- باز مهندسی فرهنگ اقتصادی کشور در عرصه تولید، مصرف و توزیع

۶- اصلاح و ارائه نظام مالی سازگار با اقتصاد مقاومتی

۷- هم گرایی و همبستگی ملی که در ملت ژاپن، ویتنام و آلمان در شرایط بحران اقتصادی در تاریخ سراغ داریم و از ملت ایران در دوران دفاع مقدس دیدیم.

۸- باز تعریف نهادهای اقتصادی و تأسیس نهادهای جدید اقتصادی

سوم: سیاست اصلاح و مدیریت مصرف و هزینه ها

مدیریت مصرف نه در توصیه های اخلاقی و ملی خلاصه می شود و نه در مهندسی و اصلاح قیمت های نسبی، بلکه مجموعه ای از این دو و الگو سازی و ساختارهایی است که بطور عقلایی به استفاده بهینه منابع در چارچوب یک تابع رفاه اجتماعی منجر شود.

اصلاح ساختار هزینه ها نیز پس از فرهنگ سازی مناسب برای پذیرش کاهش آنها از طریق یک دیوانسالاری ساده و کارآمدی ممکن است که بتواند ساختارها را طراحی و به اجرا در آورد.

۱- اصلاح الگوی مصرف:

این اصلاح در بخش خانوارها و مصارف دولت و بخش عمومی، گام اول در موفقیت اقتصاد مقاومتی به شمار می رود.

۲- فرهنگ سازی و هدایت مصرف کنندگان کالاهای نهایی به سوی مصرف کالاهای تولید داخل از طریق ارایه الگوهای مصرفی کارآمد و ارزانتر داخلی و ایجاد ساختاری که بتواند بر رفتار مصرفی جامعه تأثیر بگذارد.

۳- تاکید بر الگوی قرآنی مصرف قوام:

یعنی دوری از خساست که ضد مصرف متعارف و در نتیجه سرمایه گذاری و تولید است.

و دوری از اسراف که از بین برنده منابع کمیاب و افزایش هزینه های فردی و اجتماعی و دوری از تخصیص عادلانه منابع جامعه است.

چهارم: سیاست گسترش کمی و کیفی صادرات غیر نفتی

می توان گفت راه برون رفت از اقتصاد نفتی ایران و رهایی از وابستگی، تکیه بر اقتصاد بومی و بدون نفت و درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت خام می باشد. بخصوص که بیشترین ضربه پذیری اقتصاد ما از این ناحیه می باشد.

این سیاست از راههای زیر می تواند دنبال شود.

۱- توانمند سازی ساختارهای تولیدی کشور در جهت صادرات کالاها و خدماتی که تامین کننده درآمد ارزی بوده و زمینه واردات نهاده های اساسی را فراهم کنند.

۲- تشویق صادرات بیشتر به کشورهای همسو و اعمال معافیت های مالیاتی و گمرکی و سود بازرگانی برای صادرکنندگانی که در کنار خلاقیت و افزایش بهره وری تولید و صادرات از کار و سرمایه ایرانی به نسبت بیشتری استفاده کرده اند.

۳- صادرات خدمات نیروی کار بخصوص خدمات مهندسی دارای مزیت نسبی: صادرات نیروی کار متخصص به خارج (بخصوص کشورهای طرف تجاری) می تواند زمینه اشتغال بیشتر نیروی کار کشور را فراهم و موجب کاهش بیکاری و افزایش درآمد و تجربیات آنان باشد که در هر صورت به نفع اقتصاد ما می باشد.

۴- دگرگونی ساختار اقتصاد نفتی ایران: توقف صادرات نفت، توفیقی اجباری است که ما را از وابستگی به ۸۰ درصد از درآمد کشور که از فروش نفت بدست می آید، نجات می دهد. و زمینه بروز خلاقیت ها و نوآوری هایی در کشور می شود که جایگزین این درآمد باشند.

که بخشی از این نوآوری ها می تواند در صنعت نفت اتفاق افتد یعنی تولید مقداری نفت با هدف پالایش و تبدیل آن به انواع فرآورده های نفتی که در صورت صادر شدن نیز چندین برابر نفت خام، ارزش آور باشد. ضمن اینکه نیاز کشور به فرآورده های نفتی را مرتفع می سازد.

پنجم: سیاست گسترش بخش خصوصی به عنوان مکمل بخش عمومی
اصل تعامل بخش عمومی و خصوصی به معنای همگرایی و هم گامی کامل مردم و نظام می باشد و بدون اعتقاد مشترک این دو بخش به اهداف نظام اقتصاد مقاومتی امید موفقیت این سیاست ها وجود ندارد.

۱- حضور و مشارکت گسترده مردم با تأکید بر اصل ۴۴ قانون اساسی
۲- گرچه نیروهای جوان همواره نیازمند تجربه ها و همفکری جوانان دیروز می باشند ولی مشارکت و روحیه سرشار از امید و نشاط آنان، بستر مناسبی برای رشد استعدادها و نوآوری هایی است که لازمه پویایی مقاومت در عرصه اقتصاد است.

۳- پاداش دادن به بخش خصوصی سازگار با سیاست های اقتصاد مقاومتی دولت و غرامت گرفتن از بخش ناسازگار (سیاست شیرینی و شلاق در آلمان پس از جنگ در رابطه با بخش خصوصی در این کشور)
۴- انعطاف پذیری هوشمندانه دولت و واکنش مسئولانه مردم برای کاهش آثار منفی تحریم های اقتصادی

ششم: تدوین و اعمال سیاست های ارزی سخت گیرانه :

این سیاست ها باید در جهت تحکیم پایه های مقاومت اقتصاد در برابر تحریمهای خارجی و تهدیدهای داخلی باشد. بطوری که تخصیص ارز به جای کالاهای مصرفی برای واردات نهاده های استراتژیک و فناوری جدید باشد.
و یارانه ارزی بجای تعلق گرفتن به کالاهای مصرفی و وارداتی برای تولید کالای با کیفیت داخلی اختصاص یابد.

۱- نهاد های ناظری همچون اتاق مبادلات بر اساس یک سری ضوابط و معیارهای سازگار با اقتصاد مقاومتی با آورده ارزی صادر کنندگان رفتار کند برای نمونه در صورتی که این صادرات در چارچوب مورد نظر دولت یا بانک مرکزی باشد یا صد در صد از نهاده داخلی با بهره وری بالا استفاده کرده باشد ارز او را با قیمت بازاری ارز بخرد تا نوعی پاداش صادراتی سازگار با اقتصاد مقاومتی باشد.

۲- تخصیص ارز به واردات نهاده های کالاهای اساسی که در داخل کشور تولید نمی شوند.

۳- اجرای سیاست های پولی و مالی هماهنگ با سیاست های ارزی

۴- گسترش بازارهای مالی بخصوص بازار سرمایه و باز کردن آن به روی سرمایه گذاران مردم منطقه

هفتم: سیاست گسترش مناسبات اقتصادی با کشورهای منطقه

بر این اساس ارتباط با کشورهای همسایه از یکسو منافع مشترک را تامین و هزینه مبادله را کاهش میدهد و از سوی دیگر به ثبات و امنیت مرزها کمک میکند و آسیب پذیری کشور را کاهش میدهد که برای پیشرفت اقتصادی ثبات اجتماعی و اقتصادی بستر مناسبی است.

۱- راهکار انعطاف پذیری در سیاستها و انجام مبادلات اقتصادی

بر اساس ترجیح اهم بر مهم و مصالح برتر بر منافع کوتاه مدت که در چارچوب آموزه های اسلامی و بکارگیری قاعده تراحم است. مبنای دیگر این انعطاف پذیری اصل حفظ نظام میباشد که تغییر سیاستها و راهبردها را به نفع اصول و بر اساس فدای

عزیز برای حفظ عزیزتر توجیه میکند و زمینه استفاده از اصل و قاعده ثانویه فقهی را فراهم مینماید.

۲- برای افزایش اقتدار و توانمندی اقتصادی، در حوزه تجارت خارجی می توان با اشتراک در بانک مشترک (اسلامی، منطقه ای و ...) با کشورهای همسو و یا تحت سلطه، نوعی چتر مالی برای مبادلات خارجی ایجاد کرد که از آسیب پذیری در حساب سرمایه و جاری کشور می کاهد.

۳- تاسیس بازار مشترک، اتحادیه های تجاری و پیمان های منطقه ای و فرا منطقه ای و کاهش تعرفه ها بطوری که ضمن تامین منافع ملی، برای کشورهای طرف مبادله و تجارت خارجی نیز سود آور باشد، گام مؤثری برای استفاده از مزیت های نسبی اعضاء و در جهت شکوفایی اقتصاد آنها خواهد بود.
